

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کارگران و زحمتکشان ایران به مناسبت اول ماه مه

در صفحه ۲

ندامت نامه سرگشاده حاکمیت ج.ا. به پیشگاه "شیطان بزرگ"

چرخش در سیاست غرب یا کرنش خاضعانه تر در برابر امپریالیسم؟

مصداق این حکم، مصاحبه آقای هاشمی رفسنجانی با خبرنگار شبکه تلویزیونی ای. بی. سی. آمریکا است. این مصاحبه در شرایطی انجام می شود که از یک سو ایالات متحده، با بهره برداری از جنگ فرسایشی ایران و عراق، اشغال منطقه وسیعی از خلیج فارس و تجاوز نظامی به حق حاکمیت مردم ما، در عمل به همسایه تجاوز کار جمهوری اسلامی تبدیل شده است و از سوی دیگر سران جمهوری اسلامی با جنجال تبلیغاتی درباره استفاده جنایتکارانه

معامله گری تسلیم طلبانه سران جمهوری اسلامی با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، دم به دم ابعاد شدیدی گسترده تری به خود می گیرد. سران جمهوری اسلامی در ادامه سیاست "جلب پشتیبانی کامل امپریالیسم آمریکای هر قیمت"، اینک به جایی رسیده اند که در ازای پیش فروش دست آوردهای انقلاب خلق، استغافه کنان از "شیطان بزرگ" می خواهند راهی برای پیروزی در جنگ توسعه طلبانه و نجات از بن بست سیاسی پیش پای آنان بگذارند.

بقیه در صفحه ۴

راه توده

شهره اولان حزب توده ایران در خلیج از کشور

شماره ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۳ طاباق
۳۰ آوریل ۱۹۸۱
سال دوم، شماره ۸۹
پهنا: ۴۰ سانتی متر

پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به رفیق چرنکو

در صفحه ۱۶

سکوی پرافتخار اول ماه مه

عید کارگران جهان از راه می رسد، عیدی به یابی بینکار و اصالت خون که سرشت و زندگی زگر را می سازد، و همان هنگام که آنگامی اش صیقل می دهد، بر کابوس و خوف دشمنان ناتی او می افزاید.

طبقه کارگر ایران در این جشن خجسته، هم به و هم به پیش روی خود نظر دارد، زیرا برای نفن تاریخی که آینده سرزمینش را سازد، به آموختن از تجربه گذشته خود نیاز دارد. او خود را در میان گردبادیرمهلکه و نینبی که چهاران نوکر صفت رضاشاهی پیش ش گشودند، می یابد و زیر برق تهدید کننده نیرزه های محمدرضائی که از رنج و عرقش، طلا ختند و همه را یک جا به غارت بردند او خود عاصی و بیخاسته علیه ستم و بیداد و بندگی میدان شهدا می یابد، در میدانی که مجسه کی شاه را به زیر می کشید و شادمانه سرنگونی و بر سرگور او می رقصید، او خود را خوش و پرتوان در سنکر کار و پیکار می بیند، عرصه کارخانه و در میدان جنگ با قلبی کینه برای نابودی امپریالیسم و پرامید برای نفن ایرانی آباد، آزاد و در امن و آرامش!

اکنون نیز کینه و امیدش همچنان رجاست، همان گونه که محرومیت و رنجش ۶۰ بقیه در صفحه ۱۵

بار دیگر، یک جنایت هولناک!

رفیق محسن علوی،

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

زیر شکنجه به شهادت رسید

شادروان سید محسن علوی، استاد فیزیک را به اطلاع عموم بستگان، دوستان، فرهنگیان و شاگردان آن مرحوم می رساند. مجلس ختم (زنانه و مردانه) روز پنجشنبه ۲۰ بهمن

بقیه در صفحه ۵

در صفحه آگهی مجالس ترجمیم روزنامه اطلاعات - نوزدهم بهمن ۶۲ - آگهی زیر چاپ شده است. با کمال تأسف و اندوه فراوان در گذشت جانسوز همسر، پدر، برادر و خورشوند عزیز خود

اعتراضات مخالفین کشتار و جنایات ج.ا. در اروپا

دفتر هواییمایی ایران در فرانکفورت از جمله محل هایی بودند که به اشغال مخالفین درآمدند. در لاهه سخنگوی مخالفین اظهار داشت این عمل در اعتراض به شرایط سخت بیش از صد هزار زندانی سیاسی در ایران، صورت گرفته است. او اضافه کرد اعتراض به کتک های سیاسی و نظامی

بقیه در صفحه ۱۲

طبق گزارش مطبوعات خارجی تعدادی از ایرانیان مخالف کشتار و جنایات رژیم جمهوری اسلامی روز پنجشنبه هفته گذشته در تعدادی از شهرهای اروپا، نمایندگی های سیاسی و دیگر موسسات جمهوری اسلامی را اشغال کردند. سفارت ایران در لاهه پایتخت هلند، نمایندگی پرنسکو در پاریس، کنسولگری ایران در لندن و

و خنده باد جشن اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران!

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

به کارگران و زحمتکشان ایران به مناسبت اول ماه مبارک

کارگران و زحمتکشان ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران روز اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران را به شما پیشروان مبارزه در راه استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و صلح، از صمیم قلب شادباش می‌گوید.

شما کارگران و زحمتکشان ایران، روز همبستگی بین‌المللی کارگران را در شرایطی برگزار می‌کنید که میهن ما با مشکلات عظیم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روبرو است. بی‌کاری و فقر و مسکنت در حال گسترش است. توده‌های زحمتکش از ابتدایی‌ترین حقوق و آزادی‌های دمکراتیک محروم‌اند، حق تشکیل سندیکاهای آزاد و مستقل و حق اعتصاب از آنان سلب و برکزاری روز اول ماه مه، که یکی از دست‌آوردهای زحمتکشان بوده، ممنوع شده است. شما کارگران که با اعتصاب‌های اقتصادی و گذار آنها به اعتصاب‌های سیاسی سرتاسری و بستن شیرهای نفت و فلج ساختن اقتصاد، رژیم ضدملی و ضددمکراتیک شاه را مجبور به تسلیم در برابر اراده خلق کردید، نقش تعیین‌کننده در پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ دارید.

شما، بنا بر رسالت شگرف تاریخی خود پیشاپیش نیروهای محرکه انقلاب، میرم‌ترین خواست‌های توده‌های مردم جامعه را هم در جریان اوج نهضت انقلابی و هم بعد از به پیروزی رساندن آن مطرح ساختید که تحول بنیادی جامعه، مضمون و محتوای آن را تشکیل می‌دهد.

شما، با مبارزه سرسخت و پیگیر و بی‌امان خود نشان دادید که تنها خواهان تغییر در روبنای سیاسی نیستید و دگرگونی بنیادی زیربنا را نیز ضروری می‌شمارید. پایان دادن به سیطره امپریالیسم و از بین بردن هرگونه مظاهر نظام سرمایه‌داری وابسته، که در جریان اوج نهضت انقلابی از جانب شما مطرح گردید، به زودی به شعار همه خلق مبدل شد و تحت

فشار افکار عمومی در قانون اساسی بازتاب یافت.

شما پس از به پیروزی رساندن انقلاب شکوهمند ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی به حق انتظار آن را داشتید که در تداوم انقلاب شرکت فعال داشته و آماج‌های توده‌های میلیونی را برآورده سازید، ولی انحصارطلبان و قشربون حاکم که از نفوذ و قدرت فزاینده طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان وحشت داشتند و آنها را سد راه مقاصد ایران بریاده خود می‌دیدند، لبه تیز حمله را متوجه سرکوب تشکلهای خودجوش کارگری، انجمن همبستگی، سندیکاهای آزاد و کمیته‌های کارگری، کردند.

حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به مثابه مدافعین راستین منافع کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا در دوران فعالیت علنی کوتاه مدت خویش، فداکارانه علیه ارتجاع و عمال امپریالیسم مبارزه کردند تا از بازگشت انقلاب به عقب جلوگیری کرده و آن را به سوی تأمین منافع زحمتکشان سوق دهند.

متأسفانه با غلبه نیروهای ارتجاعی و واپسگرا در حاکمیت، چرخش به سوی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و احیای نظام منحن سرمایه‌داری وابسته، آغاز شد. برای پیشبرد این سیاست عمیقاً ضدملی بود که می‌بایست حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) غیرقانونی اعلام کردند، انجمن‌های به اصطلاح اسلامی کارخانه‌ها و موسسات، برای مقابله با نارضایتی‌ها و سرکوب و حشیانه هرنوع اعتراض و اعتصاب کارگران و زحمتکشان ایجاد شوند. برای پیشبرد این سیاست عمیقاً ضدملی بود که هزاران نفر توده‌ای و فدایی روانه سیاه‌چال‌های رژیم شدند و گروهی از بهترین فرزندان خلق و مبارزان راه رهایی زحمتکشان به جوخه‌های اعدام سپرده شدند. ارتجاعی‌ترین و

قشری‌ترین جناح میات حاکمه که انقلاب را از مضمون اجتماعی و اقتصادی آن تهی ساخته، خواه ناخواه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان کشور را در برابر وظیفه جدیدی قرار می‌دهد، سرنوشت خلق و آینده کشور، کارگران و زحمتکشان ایران را موظف می‌سازد تا برای نیل به هدف‌های زیرین، مبارزه را ادامه دهند:

- پایان دادن به سیاست‌های ارتجاعی حاکمیت، که درصد احمیاء مواضع سیاسی و اقتصادی کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و امپریالیسم در کشورند.

- خاتمه دادن به جنگ خانمانسوز و بی‌حاصل ایران و عراق و جنگ برادرکشی در کردستان که صدها هزار کارگر و دهقان را به کام مرگ کشانده و یا معلول و مجروح، تحویل جامعه داده است.

- تأمین آزادی‌های دمکراتیک برای همه احزاب ملی و مترقی و پایان دادن به هرگونه تبعیض و انحصارطلبی و اعمال فشار و تحمیل نظریات از سوی هر مقامی و فردی. مبارزه برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی و مبارزان راه آزادی زحمتکشان.

- تأمین آزادی عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، احزاب، سندیکاهای و دیگر سازمان‌های صنفی زحمتکشان، تظاهرات و آزادی دفاع در محاکم.

- به رسمیت شناختن حق اعتصاب برای کلیه زحمتکشان و نیز تعطیل رسمی روز اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران.

- تأمین شرکت موثر کارگران در امور کارخانه‌ها و خدمات، از طریق اتحادیه‌های سندیکایی کارگری.

- تنظیم و تصویب و اجرای قانون کار و قانون بیمه‌های اجتماعی بر مبنای دمکراتیک و با شرکت مستقیم کارگران.

- از میان بردن بی‌کاری آشکار و پنهان در شهر و روستا و تضمین اشتغال به مثابه حق مسلم شهروندان.

- افزایش دستمزدها متناسب کار و نیازمندی‌های درجه مادی و معنوی زحمتکشان خانواده‌های آنان با توجه نوسانات هزینه‌های زندگی.

- تجدید نظر فوری در طبقه بندی مشاغل، تأمین مسکن متنا، برای کارگران و افزایش مستد کارگران بازنشسته، تا دستمزدهای مساوی برای کارمسا برای زنان، منع کار کردها کاهش ساعات کار و افزا مرخصی سالیانه برای زنان.

- تأمین شرایط ایجاد و تحو همبستگی با کارگران و زحمتکش جهان در مبارزه به خاطر صا استقلال ملی، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی.

چنین است خواست‌های م صنفی و سیاسی کارگران زحمتکشان در مرحله کنونی مبار، که می‌تواند در تشکل و تحو زحمتکشان نقش مهمی ایفا کند. تجربه انقلابی بهمن ۵۷ نشان که مبارزه نیروهای انقلابی و درجه اول مبارزه متحد کارگران زحمتکشان قادر است هرگونه س را در راه حرکت جامعه به پیش، هم شکند. اینکه که انقلاب مرحله سیاسی متوقف گردید تداوم آن به خاطر نوسا اقتصادی و اجتماعی جامعه بیشتر هر زمان به اتحاد نیاز دا گردد. آبی همه مبارزان استقلال و آزادی و عدالت اجتماع و صلح، نهادهایی و غیرمذهبی درجه متحد خلق، به مسئله حاد ر تبدیل گردیده است، چنین اتحا وثیقه‌ای است برای تأمین شرا تداوم انقلاب به نفع محروم جامعه.

● فرخنده یاد جشن اول ماه مبارک روز همبستگی بین‌المللی کارگر

● مستحکم باد

● اتحاد کارگران و زحمتکشان ایران

● پیش به سوی جبهه متحد خا

● کمیته مرکزی حزب توده ایران

اردیبهشت ۱۳۶۳

نگرانی مردم مترقی جهان از سرنوشت نامعلوم هزاران توده‌ای دربند

فرانسه

بنابه دعوت کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران، شعبه لوار آتلانتیک، روز ۲ مارس (۱۲ اسفند) جلسه‌ای با شرکت گروهی از سازمان‌های سیاسی و سندیکایی مترقی در نانت تشکیل شد. در این جلسه ضمن بررسی آخرین رویدادهای ایران و خبرهای جدید مربوط به وضعیت زندانیان سیاسی، قطعنامه‌ای به تصویب رسید. قطعنامه بر امر کسب اطلاع از سرنوشت نامعلوم هزاران زندانی توده‌ای و دمکرات تأکید ورزیده و به ویژه اشاره کرده است که پس از اجرای حکم اعدام درباره ده تن از افسران و اعضای حزب توده ایران این امر شکل حادثی به خود می‌گیرد.

سازمان‌های زیر در نانت، با امضای قطعنامه، به کارگرفتن کلیه امکانات خویش را در راه نجات جان این افراد، تعهد نموده‌اند:

- اتحادیه دانشجویان کمونیست
- حزب کمونیست فرانسه
- کنفدراسیون عمومی کار
- کمیته همبستگی با خلق‌های آفریقای جنوبی و نامیبیا
- دانشجویان مترقی لبنان
- سازمان اکیون دمکراتیک و مردمی مراکش
- حزب سوسیالیست
- جنبش ضد تبعیض نژادی و برای دوستی میان خلق‌ها
- حزب ترقی و سوسیالیسم مراکش
- اتحادیه دانشجویان عراقی
- جوانان کارگر مسیحی
- سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران.

● اتحادیه دانشجویان کمونیست نهر سن اتین، مراتب تأثر و گرائی خود را نسبت به سرنوشت اعضای حزب توده ایران و سایر یروهای مترقی دربند ابراز نموده، سو خفتان و سرکوب هواداران استین انقلاب را در میهن ما

محکوم کرده است.

اتحادیه، هم‌چنین آزادی فوری و بلاقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی ضد امپریالیست را خواستار شده است.

● طبق خبر مندرج در شماره ۱۷

مارس (۱۷ اسفند) روزنامه اومانیته، ازگان حزب کمونیست فرانسه، رونه پیکه، سرپرست هیأت نمایندگان کمونیست و منفرد فرانسه در پارلمان اروپا، طی نامه‌ای خطاب به کلود شسون،

وزیر امور خارجه این کشور، تأسف و تأثر خود را در مورد احکام صادره از دادگاه‌های نظامی ایران علیه دکراندیشان ابراز داشته است. به عقیده وی این احکام، اعلامیه بقیه در صفحه ۱۰

"اتحادیه جهانی برای حقوق و آزادی خلق‌ها" همراه با سایر نیروهای مترقی ایتالیا شکنجه و کشتار زندانیان مترقی ایران را محکوم می‌کند

به دنبال این نشست، صبح روز جمعه، سیزدهم آوریل (۲۴ فروردین)، جمعی از هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در ایتالیا، به همراه دیگر نیروهای خارجی و هیأت نمایندگی اتحادیه جهانی برای حقوق و آزادی خلق‌ها، در مقابل ساختمان کنسولگری جمهوری اسلامی در میلان اجتماع کردند. تظاهرکنندگان با پخش اعلامیه در میان مردم و دادن شعار، آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی، از جمله اعضای حزب توده ایران را خواستار گردیدند. آنان هم‌چنین خواستند تا محاکمات در دادگاه‌های عادی و با شرکت ناظران بین‌المللی انجام گیرد و جنگ ایران و عراق هرچه زودتر پایان پذیرد.

هیأتی مرکب از نمایندگان حزب کمونیست ایتالیا، حزب سوسیالیست و "اتحادیه جهانی برای حقوق و آزادی خلق‌ها"، خواهان ملاقات با سرکنسول جمهوری اسلامی و تحویل قطعنامه مصوبه نشست یازده آوریل اتحادیه گردید، لکن وی از پذیرش این هیأت سر باز زد. متن قطعنامه در مقابل ساختمان کنسولگری، برای تظاهرکنندگان خوانده شد و مورد تأیید آنان قرار گرفت. اجتماع کنندگان با دادن شعار مرگ بر آمریکا، متفرق شدند.

بهر تحول انقلاب و چرخش به راست حاکمیت جمهوری اسلامی و جنگ با عراق، به بررسی علل سرکوب حزب توده ایران و سایر نیروهای هوادار انقلاب در میهن ما پرداختند. در پایان جلسه، قطعنامه‌ای که از طرف اتحادیه تهیه شده بود، خوانده شد و مورد تأیید کامل حاضران قرار گرفت. در این قطعنامه، اعمال روش‌های

در تاریخ ۱۱ آوریل (۲۲ فروردین) جلسه بحثی از طرف اتحادیه جهانی برای حقوق و آزادی خلق‌ها در میلان برگزار شد. در این جلسه نمایندگان سازمان‌های مترقی ایتالیایی و خارجی، از جمله حزب کمونیست ایتالیا، حزب کمونیست و سازمان جوانان کمونیست یونان، حزب کمونیست عراق،



زندانی حاکمیت جمهوری اسلامی در قبال نیروهای مترقی ایران و پایمال کردن حقوق زندانیان و شکنجه و کشتار آنان به شدت محکوم شد. علاوه بر سازمان‌های نام‌برده، سه سندیگای سراسری کارگران ایتالیا (چی‌جی ال، چیپزل و ویل) و انجمن فرهنگی ایتالیا در میلان نیز، قطعنامه را امضاء کردند.

حزب کمونیست اوروگوئه، حزب کمونیست لبنان، حزب کمونیست شیلی، سازمان حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در ایتالیا شرکت داشتند. ریاست جلسه را پیروپاسو، رئیس "اتحادیه جهانی برای حقوق و آزادی خلق‌ها" برعهده داشت. سخنرانان، ضمن تحلیل رویدادهای اخیر ایران،

با گسترش موج همبستگی بین‌المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

ندامت نامه سرگشاده حاکمیت ج.ا. به پیشگاه "شیطان بزرگ"

بقیه از صفحه ۱

عراق از سلاح‌های شیمیایی (که مورد حمایت امپریالیسم جهانی قرار گرفته است) به خیال خود توانسته‌اند شکست‌های نظامی سنگین اخیر و تقویت حضور نظامی ایالات متحده در منطقه را به فراموشی سپارند و بر زمینه مناسبات بهیو دیافته با امپریالیسم آمریکا، بندوبست‌های تسلیم طلبانه با ایالات متحده را ادامه دهند.

به دلایل بسیار این مصاحبه را باید ندامت نامه سرگشاده حاکمیت جمهوری اسلامی به پیشگاه امپریالیسم جهانی دانست. ندامت نامه استغاثه آمیزی که طی آن - سران جمهوری اسلامی با صراحتی بی سابقه انتقارات خویش را از "شیطان بزرگ" - در ازای بهای سنگینی که پرداخته‌اند - بیان می‌دارند.

آقای رفسنجانی این مصاحبه را با قدردانی از وزارت خارجه و رسانه‌های جمعی آمریکایی به خاطر رهبری و اعمال پشتیبانی سیاسی و تبلیغاتی از جمهوری اسلامی در برابر استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی آغاز می‌کند:

"در روزهای اخیر در قضیه کاربرد بمب‌های شیمیایی می‌بینیم که آمریکایی‌ها در اعلام این مسئله جلو افتاده‌اند. وزارت خارجه آمریکا حرکت نسبتاً خوبی کرده است و بعد هم رسانه‌های جمعی ادامه دادند و برای اولین بار ما می‌بینیم که رسانه‌های آمریکا یک مقدار کمی واقعیت‌ها را دارند می‌گویند "جمهوری اسلامی - ۱۹ فروردین ۶۳".

و در ادامه سخن با اعلام آنکه: "ما هیچ وقت تصمیم بستن تنگه هرمز را نداشتیم و همیشه هم مایل بودیم چنین چیزی پیش نیاید... و بسیار هم بعید می‌دانیم که چنین وضعی پیش بیاید" تلاش می‌کند جو تفاهم آمیزی برای پرداختن به اصل قضیه فراهم آورد. خبرنگار با این سؤال که "در حال حاضر نظر جمهوری اسلامی ایران در مورد آمریکا چیست؟" فرصت لازم را به آقای رفسنجانی می‌دهد تا او مضمون اساسی ندامت نامه را با صراحت کافی بیان دارد:

پس از اشغال سفارت

آمریکا "آمریکایی‌ها به جای اینکه بهوش بیایند و متوجه بشوند که اشتباه کرده‌اند و باید با این انقلاب برخورد بهتری داشته باشند، با خشونت برخورد کردند." ما برای اینکه این تشنج‌ها (در روابط فی‌مابین آمریکا و جمهوری اسلامی) را کم بکنیم پذیرفتیم در دادگاه مرضی‌الطرفین مسایلمان را با آمریکایی‌ها حل بکنیم "باید اضافه کرد: از جمله بیش از یک میلیارد دلاریه انحصارات آمریکایی غرامت پرداختیم).

اما "ماهیت استعماری و استکباری و زورگویی آمریکا و توسعه طلبی که دارد یک مقدار کار را مشکل کرده است" (۲۱) "اگر بنا باشد چیزی بهتر شود آن کسی که سال‌ها بد کرده است باید لااقل یک مدتی خوب بکند تا بتواند اعتماد را جلب کند. (همانجا)

نمونه‌های مشخصی که آقای رییس مجلس در مورد "خوبی‌هایی" که آمریکا می‌تواند در حق جمهوری اسلامی انجام دهد تا "کار" را آسان کند، با اندک لاف‌های پیچی که در کلام همه دلان معاملات نامشروع می‌توان سراغ کرد بیان شده‌اند.

۱- آمریکا از ابتدا در جنگ ایران و عراق از عراق پشتیبانی کرده است، اینک باید به یاری جمهوری اسلامی برخیزد.

۲- آمریکا "لباس‌های نظامی" و "قطعاتی" که رژیم قبل خریده و پولش هم پرداخته شده است به ما تحویل نمی‌دهد. باید در این تصمیم تجدیدنظر کند.

ظاهراً روشن نیست که منظور از "قطعات" چیست، اما مردم ما که هنوز نیاز جمعه معروف آقای رفسنجانی در مدح هواپیماها و زیردریایی‌ها و موشک‌های آمریکایی را که به قول ایشان "از نان شب هم برای مردم ما لازم‌ترند" (اطلاعات - ۲۴ دی ۶۳) به یاد دارند. معنای این "رمز" را خوب درک می‌کنند.

۲- آمریکایی‌ها "اگر جایی باخبر بشوند که کشورهایی چیزی می‌خواهند به ما بفرشند که با ارزش باشد فشار می‌آورند و جلوی فروش آن را می‌گیرند. آمریکا به

ایتالیا فشار آورده است که هلی‌کوپترهایی را که ما پولش را داده‌ایم و چندتا از آن‌ها را هم تحویل گرفته‌ایم مانع شدند بقیه آن را بگیریم."

بنابراین ایالات متحده باید به هم‌پیمانانش (نه تنها ایتالیا بلکه انگلستان، آلمان فدرال، اسرائیل، کره جنوبی...) اجازه بدهد که سیل سلاح‌های استراتژیک را به جمهوری اسلامی سرازیر کنند.

۴- در خلیج فارس، در اقیانوس هند همین الان آمریکایی‌ها مکرراً را تهدید می‌کنند. ظاهراً سخن بر سر استقرار ناوگان تجاوزگر ایالات متحده در مرزهای آبی میهن ماست. اما چنان که روشن است آقای رفسنجانی به نفس اشغال نظامی خلیج فارس اعتراضی ندارد. تنها کافی است که ایشان را "تهدید" نکنند. در عرف سیاسی این سخن جز به معنای پذیرش دوافع کتوی منافع نظامی استراتژیک امپریالیسم در منطقه نیست.

چرخش در سیاست غرب یا کزنش خاضعانه‌تر در برابر امپریالیسم؟

ندامت نامه رییس مجلس جمهوری اسلامی حاوی نکته تازه‌ای نیست. انتظاراتی که در این مصاحبه جمع‌بندی شده است، در ماه‌های گذشته به صورت پراکنده و کم و بیش در لاف‌های پرخاشگری‌های غوام‌فریبانه به اطلاع طراحان سیاست امپریالیسم رسیده است.

مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی مدتهاست که جو انتظار نسبت به صدور عنایات قریب‌الوقوع ایالات متحده نسبت به جمهوری اسلامی را پرورش می‌دهند. پیش از این سرمقاله نویس روزنامه کیهان نوشته بود:

"رضایت دادن غرب به منطقه‌ای بدون صدام مناسب‌ترین راه حلی است که می‌تواند به جای اتخاذ شیوه‌های حفظ رژیم عراق انتخاب گردد... اکنون نوبت جامعه غرب است که تصمیم بگیرد "کیهان - ۴ اسفند ۶۳".

اینک سرمقاله نویس روزنامه جمهوری اسلامی گامی پیش‌تر

گذارده و از "چرخش در سیاست غرب" به سود جمهوری اسلامی سخن می‌گوید. مدافعان سیاست تسلیم در برابر امپریالیسم، حمایت سیاسی و تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا از جمهوری اسلامی در مسئله کاربرد سلاح‌های شیمیایی را دلیل لازم و کافی برای این چرخش می‌دانند. روزنامه جمهوری اسلامی با اشتیاق خاصی خواستار تجدید نظر کلی در سیاست امپریالیسم آمریکاست:

"آیا مقامات واشنگتن قادرند به حقایق ملموس و محسوس منطقه در رابطه با انقلاب اسلامی پی‌ببرند و ظرافت‌های آن را درک کنند؟ آیا ضربات کاری بر پیکر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا به اندازه کافی برای واشنگتن هشدار دهنده بوده است که آن را به یک تجدید نظر کلی وادار کند" (جمهوری اسلامی - ۲۸ فروردین ۶۳).

اما واقعیات انکار ناپذیر حاکی از آنند که ایالات متحده همچنان سیاست مزورانه تشویق و دوطرف درگیری به ادامه جنگ فرسایشی را برای تأمین منافع استراتژیک خویش در منطقه دنبال می‌کند. دل‌جویی و حمایت سیاسی تبلیغاتی آمریکا از جمهوری اسلامی به معنای آن نیست که ایالات متحده از تلاش همه‌جانبه برای تحکیم مواضع اقتصادی و نظامی عراق دست برداشته است. همکاری فعال آمریکا در ساختمان خط لوله نفتی جدید عراق - ترکیه و نیز خط لوله عراق - عربستان سعودی که می‌بایست تا پایان سال ۸۴ صادرات نفتی عراق را چند برابر کند، ننگ‌های اقتصادی رژیم عراق را - در ادامه جنگ - برطرف کند، گواه باز این واقعیت است.

روزنامه انگلیسی‌گاردین به بررسی سیاست رسمی و اعلام شده ایالات متحده و نیز نظریات والت ماندیل، نامزد حزب دمکرات برای انتخابات آینده ریاست جمهوری به این جمع‌بندی می‌رسد که سیاست کنونی امپریالیسم آمریکا، بازتاب منافع استراتژیک غرب در منطقه است. "آمریکا مایل است بن‌بسد نظامی ادامه پیدا کند" (گاردین، ۲۵ فوریه ۸۴). بقیه در صفحه ۱

باردیگر، یک جنایت هولناک! رفیق محسن علوی، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران زیر شکنجه به شهادت رسید

بقیه از صفحه ۱

ماه، از ساعت ۲ تا ۳ بعد از ظهر در مسجد ولی عصر (عج) واقع در خیابان آذربایجان (حشمت الدوله غربی) منعقد خواهد بود.

این آگهی چند سطرگی که از "درگذشت جانسوز" انسانی شریف و دانشمند حکایت می کند به نوبه خود، خبری تأسفاتور و اندوه زااست. ولی وقتی این استاد بزرگ، عنوان عضویت در کمیته مرکزی حزب توده ایران را نیز با خود داشته باشد و از یک سال و اندی پیش در سیاه چال های مخفوف جمهوری اسلامی در بند بوده باشد، آن گاه خبری فاجعه بار و لرزاننده است که از عمق دهشتناک جنایاتی که دست پروردگان سیا و ساواک در شکنجه گاه های حکومتی مرتکب می شوند، پرده برمی دارد.

رفیق شهید محسن علوی در اولین یودش گزندگان با نام و بی نام جمهوری اسلامی به حزب توده ایران به اسارت درآمد و مستقیماً به اطاق های تمشیت کمیته مشترک منتقل شد تا مورد "عظوفت اسلامی" قرار گیرد و در "پناه" چار دیواری تاریک این و آن سلول انفرادی و تحمل عذاب های جانسوز "تعزیر" و "تقتیل اسلامی" به "درستی" راه خیانت بار رهبران جمهوری اسلامی بی برد!

رفیق محسن علوی، یکی از اعضای قدیمی حزب توده ایران بود. او در نخستین سال های پس از بنیان گذاری حزب، به صفوف مدافعان راستین محرومان و زحمتکشان پیوست و در انجام وظایف دشوار و انقلابی خود، مسئولیت های گوناگونی را به عهده گرفت. وی پس از بهمن ۱۳۲۷ و غیرقانونی اعلام شدن حزب، عضو کمیته ایالتی تهران بود و با همین سمت در سال های پس از کودتای امپریالیستی ۱۳۲۷ دستگیر و به زندان افتاد. در همین اوان، در اثر شکنجه های حیوانی و کشنده عمال ساواک، یک دستش برای همیشه فلج شد!

شکنجه گران جمهوری اسلامی در آخرین ماه های سال ۶۲، کار ناتمام

جلادان ساواک را به پایان بردند و پیکر فرسوده ورنج کشیده او را در هم کوفتند و برهستی پربارش، نقطه پایان نهادند.

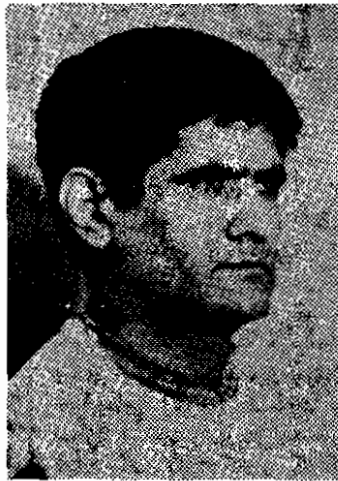
رفیق علوی نیز چون رفیق حسن حسین پور تبریزی که هم زمان با او به بند کشیده شد و زخبر "درگذشت جانسوزش" ناگهان در صفحه آگهی های مجالس ترحیم کیهان به چاپ رسید، زیر شکنجه های طاقت فرسای روحی و جسمی، مدرن و قرون وسطایی جلادان رژیم به شهادت رسید. او قربانی توحش کور و سببیت عنان گسیخته رهبرانی است که جز مرگ و نیستی، رسالت دیگری برای خود نمی شناسند و در برابر هیچ مرجع و دادگاهی خود را مسؤل نمی دانند. آنان به هیچ پرسش به حقی، پاسخ نمی گویند و به هیچ ضابطه و معیار انسانی ای واقعی نمی نهند.

با این حال، مردم داغ دیده و مصیبت کشیده ما، به درستی مسؤلین مستقیم این جنایات دیوانه سرانه را باز شناخته اند و از آنان در مورد فرزندان خود می پرسند؛ چگونه انسانی که در بهمن ۶۱، توسط شکنجه گران شما ربوده شده، ناگهان در آگهی مجالس ترحیم و در صفحه مرگ حضور می یابد؟ آیا سرنوشت او نیز، چون بسیاری دیگر که "نیست" شده یا "خودکشی" کرده اند، به دست دژخیمان شما نوشته شده؟!

پاسخ هرچه باشد، خلق داوری نهایی خود را خواهد داشت. او یک بارو برای همیشه حکم محکومیت جباران و جنایتکارانی را که دیرپایی هستی چند روزه خود را در نیستی فیزیکی مدافعان مردم می بینند، صادر کرده است و دیرپا زود آن را به مرحله اجرا در خواهد آورد.

بدرود رفیق علوی! یاد تو همه مبارزانی که در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع سیاه حاکم بر کشور ما جان باختند، آن سرمایه پایان ناپذیری است که به پیکار ما علیه ستم و بیداد شدت می بخشد. بدرود!

آخرین دیدار باسرباز خلق



رفیق سرهنگ حسن آذرفر

سرباز خلق نه "عروج خونین" کرد و نه "به لقاء الله" پیوست. او به سادگی تیرباران شد. در سحرگاه ششم اسفند در میدان جنگ به خاک افتاد، در کارزار خونینی که خلق و دشمنان بربرینش رود روی یکدیگر ایستاده بودند، در میدانی که سوگوارترین خاک ایران را دارد؛ "اوین" سرباز، خون گرم خود را با پخشندگی و گشاده دستی - تا آخرین قطره - به خاک نوشتند:

مظلوم ارتش خونخواهان از سینه تو خواهد جوشید.
یک هفته پیش از آخرین رزم سرباز، خانواده او به دیدارش رفتند. پس از دو ماه دوری، سرباز خلق با سر پرشور و نگاه شررخیز پشت شیشه ایستاده بود. بی سردوشی و مدال، پس قبه هایت کور سرهنگ؟ او اینک سرباز ساده ای است. چون دریای همراهن کاوه آهنگر. او دیگر نمی خواست سرهنگ ارتش جنگ افروزان و بیدادگران باشد. سرهنگ لب کشود، با آوایی که به دهان هیچ نیاز نداشت. "قیافه مرا به جا نیاوردی؟ من همسرتوام. حسن آذرفر. اگر پارویی شوی روحم را خواهی شناخت و قلبم را که عاشقانه دوستت می داشت. قلبی که می تواند از فرط عشق بمیرد. و بازوانی که می تواند یک توده را به تمامی، در آغوش بگیرند. همسرم، فراموش مکن که من سرباز خلق بوده ام، و بدان که باهیم شکست اما به راه ستمگران نرفت، و به زودی سرم خواهد افتاد تا در برابر دژخیمان خم نشود. دیدی سرباز خلق را؟ پس تو هم زن یک سرباز باش". زن قد راست کرد. پیامی نمانده بود.

سرباز گوشی تلفن را در دست فشرد و گرمی جانش را در آن ریخت؛ "پسرم، سرفراز باش. لبخند بزن جوان! برو به دو برادرت و همه برادرهایت در این دیار بگو؛ پدرم هرگز سرهنگ مظلوم کشان نخواهد بود. او سرباز

ساده خلق است. به آنها بگو: من هیچ فرماندهی نداشته ام، جز خلق محروم ایران. و از توده فرمان برده ام تا پای جان. به قاتلانم بگو: ما را تک تک شکار کردید، اما بدانید ما فوج فوج برمی گردیم. به گرسنگان میهنم بگو: پایان رنج نزدیک است که من در ارتش دروگران و نانوایان ثبت نام کرده ام. به زاقه نشینان بگو: پایان بی خانمانی نزدیک است که من در سپاه کوره پزان و بنایان اسم نوشته ام. و بگو که توده نه می بخشد و نه از یاد می برد."

ما فراموش نخواهیم کرد، سرباز، نه پیام تورا - بگذار قاتلان بپلرزند - و نه خون تورا.

بدان سرباز که ما خواهیم شکاند

آن دستی که تورا به سیاه چال کشاند

دستی که در پای کارنامه تو امضا نشاند

دستی که ماشه را چکاند.

بدانید ای جلادان که ما هرگز فراموش نمی کنیم حتی یک قطره خون را، چنانکه هرگز از یاد نبرده ایم یک چکه آشک و عرق را.

و بپلرزید هر زمانی که شنیدید این نام را؛ توده. و دور نیست آن زمان.

چهل سال از تأسیس شورای متحده مرکزی گذشت

۴۰ سال پیش در ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۱۳ روز جهانی کارگر، "شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران" به عنوان تشکل صنفی سراسری کارگران و زحمتکشان تشکیل شد. تأسیس شورای متحده مرکزی، در واقع نقطه عطفی در جنبش کارگری و مجموعه جنبش دمکراتیک و ملی ایران و حاصل مبارزات ۴۰ ساله طبقه کارگر ایران بود. جمع بست تجارب مبارزات سندیکایی و اتحادیه های کارگران ایران و نیز بهره گیری از تجارب جهانی طبقه کارگر سبب شد طبقه کارگر ایران بتواند در مدتی کوتاه، پس از سرنگونی رژیم رضاخان، یعنی در فاصله سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲، کام های عظیمی به پیش بردارد.

این پیروزی بزرگ پیش از هر چیز از انجام وظیفه حزب توده ایران در قبال طبقه کارگر ایران ناشی می شد. حزب توده ایران، همواره و از همان بدو تأسیس خود یاری به گسترش تشکل های صنفی زحمتکشان ایران را مهم ترین وظیفه خود شمرده است.

طی دهه های اولیه قرن اخیر، سندیکاها و اتحادیه های کارگران، به تدریج شکل گرفتند و برای کسب حقوق صنفی و سیاسی کارگران به مبارزه پرداختند. در زمان حکومت رضاخان بارها تشکل های کارگری مورد هجوم نیروهای انتظامی قرار گرفتند و فعالین آنها، تحت شدیدترین پیگردها بودند. پس از سرنگونی رژیم رضاخان تشکل های صنفی کارگران با تجارب مبارزاتی دوران طولانی سرکوب و پیگرد پلیسی رضاخانی کار علنی خود را تجدید سازمان دادند و تشدید کردند. در سال ۱۳۲۱ از اتحاد تعدادی از سندیکاها و اتحادیه های کارگری، "شورای مرکزی اتحادیه های کارگران ایران" با ۲۰ هزار عضو با عرصه وجود نهاد.

هجوم ارتجاع برای سرکوب جنبش کارگری، کارگران مبارز ایران را به فکر واداشت تا با



یکی از تظاهرات اول ماه مه قبل از ۲۸ مرداد ۱۳۲۲

متحد کردن تشکل های صنفی خود، برای مقابله با نیروهای ارتجاعي نیروی واحدی را سازمان دهند. در ۱۱ اردیبهشت ماه (اول ماه مه) سال ۱۳۱۳، "اتحادیه مرکزی کارگران"، "اتحادیه کارگران و بزرگران"، "اتحادیه کارگران راه آهن" و چند اتحادیه کارگری دیگر به هم پیوستند و بدین ترتیب "شورای متحده اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران" را تشکیل دادند.

شورای متحده از بدو تأسیس، ۵۰ هزار عضو داشت و به زودی توانست پیش از ۱۰ کارگران ایران را در صفوف خود متشکل کند. روزنامه "ظفر" به عنوان ارکان شورای متحده مرکزی انتشار یافت و نقش مهمی در بالا بردن آگاهی صنفی و سیاسی کارگران ایفا کرد. البته تشکل سراسری واقعی تنها دو سال بعد، یعنی پس از پایان جنگ بین المللی دوم و امکان تشکیل اتحادیه های کارگری علنی در خوزستان سازمان گرفت. در بهار ۱۳۲۵، در آستانه جشن اول ماه مه، کارگران نفت خوزستان تشکیل اتحادیه خود را تحت عنوان سندیکای کارگران صنعت نفت خوزستان اعلام کردند و به شورای متحده مرکزی پیوستند. در روز جهانی کارگر سال ۱۳۲۵، نزدیک به

۷۰۰ هزار کارگر و زحمتکش در تظاهرات اول ماه مه شرکت کردند. بدینسان، پس از پنج سال مبارزه خونین که قربانی های بسیاری به جا گذاشت، اتحادیه های کارگری در سراسر کشور سازمان یافت. برای نخستین بار در سراسر ایران هیچ کارگاه و کارخانه مهمی نبود که کارگزارش متشکل نباشد؛ همه اتحادیه ها یگانه مرکز سندیکایی کشور، یعنی شورای متحده مرکزی پیوسته بودند.

بزرگترین تشکل سندیکایی در ایران و خاورمیانه

شورای متحده مرکزی، به عنوان تشکل عظیم سراسری کارگران، نه تنها در ایران، بلکه در مقیاس خاورمیانه بی نظیر بود. شورای متحده مرکزی در سال ۱۳۲۵ مورد شناسایی سازمان جهانی کارگران، یعنی "فدراسیون سندیکاهای جهانی" قرار گرفت و به عنوان یگانه مرکز سندیکایی اصیل در ایران به عضویت آن درآمد و در هیأت ریسه آن عضو داشت. در داخل کشور نیز کلیه احزاب معتبر سیاسی: حزب توده ایران، حزب ایران، حزب سوسیالیست ایران، حزب جنگل و فرقه دمکرات آذربایجان، شورای متحده مرکزی

را به عنوان یگانه مرکز سندیکایی کارگران و زحمتکشان ایران به رسمیت شناختند. دولت و وزارت کار (که ایجاد خود این وزارت خانه، محصول رشد جنبش سندیکایی کارگران بود) به شناسایی نقش شورای متحده مرکزی ناگزیر شدند و از این رو نمایندگی در شورای عالی کار را حق مسلم شورای متحده مرکزی شناختند.

دستاوردهای شورای متحده مرکزی

شورای متحده مرکزی با رهبری آگاهانه و انقلابی نیروی متحد و یکپارچه طبقه کارگر موفق شد، در مدت کوتاه فعالیت علنی خود، دست آوردهای عظیم و تاریخی برای طبقه کارگر ایران کسب کند.

دشمنان کارگران و زحمتکشان، همواره کوشیده اند این دستاوردها را که در واقع دست آورد جنبش متحد کارگران و زحمتکشان ایران است نفی کنند. آنان این دست آوردها را "عطیه ملوکانه" می نامند که گویا به کارگران "اهداء" شده است. امروز نیز همه کسانی که تحت عنوان طرفداری از کارگران و زحمتکشان این دست آوردها را نادیده می گیرند، خواسته یا ناخواسته، به دشمنان طبقه کارگر خدمت می کنند.

از جمله دست آوردهای شورای متحده مرکزی به تصویب رساندن لایحه ای است که در سال ۱۳۲۲ به مجلس داد. از این لایحه، ۸ ساعت کار در روز، دو هفته مرخصی سالیانه با استفاده از حقوق، ۶ هفته مرخصی برای زنان کارگر پاردار، منع استفاده از کار کودکان کمتر از ۱۲ سال و تأمین بیمه های اجتماعی پیش بینی شده بود. با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی - اقتصادی ۴۰ سال پیش، به سادگی می توان اهمیت رسمیت یافتن این حقوق را دریافت.

قدوین اولین قانون کار

روز ۵ مرداد ۱۳۲۲، روزنامه ظفر، ارگان شورای متحده مرکزی بقیه در صفحه ۲۴



دوباره منتشر می شود!

واقعیت عمل و راهی که رهبران جمهوری اسلامی در خدمت به امپریالیسم برگزیده اند نیز چنین حقیقت شومی را گواهی می دهد.

برشمردن گام هایی که رهبران جمهوری اسلامی برای به هلاکت رساندن انقلاب، به فرمان و پسند امپریالیسم برداشتند (توطئه ای که با ساکت کردن ندای روشنگرانه نیروهای مترقی آغاز و به نیت محو فیزیکی و "ریشه کن کردن" آنان از صحنه مبارزاتی مردم ایران پی گرفته شد.) بازگو کردن واقعیاتی است که زحمتکشان هر روزه با تجربه شخصی خود به آن دست می یابند. آنان از "برکت" سیاست های خائنانه جمهوری اسلامی، هر روز مصائب بیشتری را متحمل می شوند....

انتشار مجدد "کار" در شرایط پرخفقان و ترور کنونی جامعه ما، تنها به معنای ظهور نشریه ای انقلابی و پربار در بازار مکاره ورق پاره های مجاز و بی محتوای داخلی نیست. تنها به معنای نشر اندیشه های انقلابی، روشنگر و آگاهی دهنده نیز نیست. انتشار مجدد "کار" تنها از این دیدگاه که به مثابه ابزار معنوی زحمتکشان عمل می کند و به آنان در تحلیل رویدادهای مشخص، در شرایط مشخص یاری می رساند، ارزشمند نیست. افزون بر تمامی این جنبه ها، انتشار مجدد "کار" نمایانگر تسلط تشکیلاتی و انضباط محکم سازمانی است که به سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) امکان می دهد، بر همه دشواری ها و تنگناها و محدودیت های ناشی از شرایط ترور و اختناق و کار مخفی غلبه یابد و با فرا رسیدن هر ماه نو، به سلام محرومان و زحمتکشان بشتابد.

ما انتشار مجدد "کار" را به همه کارگران، مردم قهرمان ایران و فداییان خلق، به ویژه رفقای تحریریه و کادر فنی "کار" که با کار شبانه روزی و پرمخاطره خود، انتشار ارگان کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را تدارک می بینند، تبریک می گویم و موفقیت بیش از پیش آنان را آرزو داریم.

امپریالیستی سرکوب خونین حزب توده ایران و تدارک همه سویه برای یورش به رهبری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، تعیین کننده بود) بر خائنانه بودن این اهداف و دلایل تأکید دارد، بلکه

افشاگری ها، اعلامیه ها و هشدارهای حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) که به ویژه پس از چرخش به راست تمام عیار حاکمیت و اجرای توطئه

فراخوان شورای نویسندگان و هنرمندان ایران

شورای نویسندگان و هنرمندان ایران فعالیت خود را، پس او وقفه ای یک سال و نیمه از سر می گیرد. در فراخوانی که از سوی هیأت اجراییه شورا به "راه توده" رسیده از "یاران و همکاران و هواداران" این شورا دعوت شده است تا در امر "دفاع از آزادی اندیشه و بیان و حقوق دمکراتیک" و "دفاع متشکل از اعضای دربند آن" شورا را یاری دهند. متن فراخوان به این شرح است:

محمود اعتمادزاده (م. ا. به آذین) و نیمی از هیأت اجراییه آن در زندان و تحت شرایط هولناک بسر می برند. همچنین ده ها نویسنده و هنرمند عضو شورا نیز یا زندانی و آواره اند و یا آسرنوشت شان خبری درست نیست.

شورای نویسندگان و هنرمندان ایران در خارج از کشور که همچنان دفاع از انقلاب مردم ایران و دفاع از آزادی اندیشه و بیان و حقوق دمکراتیک را هدف اصلی خود می شمارد، بدین وسیله با اعلام از سرگیری فعالیت خود از شما یاران و همکاران و هواداران گرامی انتظار دارد تا ضمن پیوستن به آن، شورا را در راه رسیدن به آرمان های خود - که دفاع متشکل از اعضای دربند آن هم اکنون در سربلوه این اهداف است - یاری رسانید.

از سوی هیأت اجراییه شورای نویسندگان و هنرمندان ایران
سیاوش کسرائی - فریدون
تنگابنی - شهاب موسوی زاده
آدرس موقت شورا:

PLK Nr: 0044720 B
4000 Düsseldorf 1

"یاران، همکاران، نویسندگان و هنرمندان ایرانی داخل و خارج از کشور!

"شورای نویسندگان و هنرمندان ایران" به برکت انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی مردم ایران و با هدف دفاع از انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن، دفاع از آزادی اندیشه و بیان و پیشبرد هنر و ادب مردمی و خلق های ایران در اردیبهشت ۱۳۵۸ به همت گروه کثیری از نویسندگان و هنرمندان متعهد به انقلاب تأسیس شد. شورا که از سرچشمه لایزال عشق به مردم و میهن نیرو می گرفت در مدت کوتاهی توانست ده ها نویسنده و هنرمند میهن دوست و متعهد را به مثابه عضو هوادار گرد آورد و در طول مدت کوتاه فعالیت خود به همت آنان دست آوردهای ارزشمندی از هنر و ادب انقلاب را به ایران تقدیم کند.

با آغاز حملات وحشیانه امپریالیسم و ارتجاع به انقلاب ایران، دستگیری و بازداشت اعضا و هواداران شورای نویسندگان و هنرمندان ایران نیز آغاز شد. چنانکه هم اکنون دبیر شورای نویسندگان و هنرمندان ایران،

"کار"، ارگان کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، پس از وقفه ناگزیر دوساله، دوباره منتشر می شود.

"کار" در نیمه اسفند سال ۶۰، به حکم خودسرانه دادستان انقلاب اسلامی مرکز و به دلایلی بی پایه، مغایر نص صریح قانون اساسی و در مخالفت مطلق با مصالح انقلاب و منافع زحمتکشان توقیف شد. پیش از آن "نامه مردم" ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران، این ندای حق طلب، عدالت جو و استقلال خواه مردم محروم ما در محاق توقیف در افکنده شده بود. "دلایل" توقیف "نامه مردم" و "کار" آنچه که مأمورین امپریالیسم و ضابطین کمیته ها، به طور کلی بیان کردند نبود، بلکه آنهایی بود که هیچ یک از طراحان و رهبران و مجریان توطئه خزنده امپریالیستی علیه انقلاب جرأت بازگویی شان را نداشتند.

جستجوی این دلایل برای هرکس که تنها یک شماره از "کار" یا "نامه مردم" را خوانده باشد، سان است. وظیفه تخطی ناپذیری که این دو ارگان در برابر خود هاده بودند و بی گیرانه و بی امان، دور از جنجال های مفتضح پلیگاتی و درافتادن در ورطه ناتناژها دنبال می کردند بارت بود از: دفاع از آماج های ملی و مردمی انقلاب، حفظ و گسترش دست آوردهای آن، پای شردن در احقاق حقوق محرومان و زحمتکشان و برآوردن خواست ها و یازهای آنان، افشای جسورانه و طغنه های امپریالیسم برای شکستن مسخ انقلاب و بازنایاندن چهره وامل و مزدوران آن که به سادگی پر سیاهی ریش های انبوه پنهان رده و هست....

به این ترتیب، ناگفته بیداست، رقیف این دو ارگان دستیابی به چه هدفی را بی می گرفت و از سرچشمه مسموم چه "دلایلی" آب به خورد!

اکنون دیگر نه تنها مقالات،

تاریخچه اول ماه مه در ایران و جهان

خون و سرود کارگران شیکاگو و رهبران آن در ۱۸۸۶ میلادی لباس اول ماه مه پوشید و بر فراز مرزهای کشورهای جهان پیام آور جنایت سرمایه داری و نابودی محترم آنان شد. سرودی که بر لبان رهبران کارگران اعتصابی شیکاگو در پای چوبه های دار جاری گشت بر دل های کارگران جهان نشست و آنان را به اتحاد و یگانگی و وحدت و تشکل که رموز راه مبارزه علیه سرمایه داران و استثمارگران است، فراخواند.

تاریخ این روز قهرمانی و ایثار، این روز یگانگی مبارزه و مبارزه برای یگانگی کارگران جهان چیست. چه روی داد که این روز به مثابه روز همبستگی و اتحاد بین المللی کارگران بدل شد. سیر و سرگذشت پر از فراز و نشیب برگزاری آن در ایران کدام است و چه پیامی به همراه دارد.

تاریخچه روز اول ماه مه

اول ماه مه سال ۱۸۸۶ برابر با ۱۱ اردیبهشت ۱۲۹۵، کارگران شیکاگو دست از کار می کشند. اعتراض آنان به ساعات نامحدود کار و تقلیل آن به ۸ ساعت در روز است. پیش از آنان کارگران ساختمانی استرالیا در سال ۱۸۵۹ در اثر مبارزات خویش توانسته بودند به خواست ۸ ساعت کار در روز نایل گردند و بدین خاطر روز ۲۱ آوریل هر سال را به نشانه پیروزی خود بر سرمایه داران جشن می گرفتند. کارگران آمریکای شمالی نیز از سال ۱۸۸۵ به بعد، نخستین دوشنبه ماه سپتامبر را دست از کار می کشیدند و به شادمانی می پرداختند. لیکن سپاه سرمایه، حرکت کارگران شیکاگو را تاب نیاورد.

روز اول ماه مه کارگران شیکاگو با اعلام اعتصاب دست به تظاهرات می زنند. آنان با پوشیدن لباس نو و به همراه زن و فرزندانشان خود به خیابان ها می ریزند و قدرت و اتحاد خود را به نمایش می گذارند و اعتراض خود را نسبت به ساعات نامحدود کار اعلام می دارند. طی چند روز تعداد اعتصاب کنندگان افزایش یافته از ۸۰ هزار نفری



اول ماه مه سال ۱۸۸۶ - شیکاگو

گذرد. نیروهای پلیس برای مقابله با اعتصاب کنندگان به صفوف آنان یورش می برند و دزدان تیراندازی عده ای از آنان را کشته و بسیاری را زخمی می کنند. در پی این حادثه رهبران اعتصاب نیز دستگیر می شوند و به دادگاه های فرمایشی کشانده می شوند و حکم اعدام برای آنان که بالغ بر صدها نفر بودند صادر می گردد. آنان در ۱۱ نوامبر همان سال در حالی که سرود رزم و اتحاد می خواندند به دار آویخته می شوند.

اولین حکومت کارگری جهان

از پی انقلاب ظفرنمون اکتبر نظام جدیدی پا به عرصه کیتی می گذارد که حکومت کارگران است. مبارزه کارگران ابعاد وسیع تری می گیرد و به ایجاد نظام جهانی سوسیالیسم منجر می شود. ملل دریند امپریالیسم نیز راه رهایی از یوغ سلطه و استبداد امپریالیسم و نوکران آن را در پیش می گیرند و ضربات خردکننده ای بر پیکر منحل و در حال تلاشی آن وارد می سازند. کارگران همه جا پیشاپیش این مبارزات هستند.

از برگزاری اولین جشن روز کارگر، ۹۴ سال می گذرد. هر سال کارگران کشورهای سوسیالیستی این روز را به نشانه بسیج همه زحمتکشان در مبارزه در راه بنای سوسیالیسم و کمونیسم برگزار می کنند. کارگران کشورهای سرمایه داری نیز در این روز ناقوس مرگ سرمایه داری را پرتوان تر به صدا درمی آورند و اتحاد، یگانگی و نقش آفرینی خود را در تکامل تاریخ به نمایش می گذارند. کارگران ایران نیز همپا با کارگران سایر ملل این روز پرشکوه را جشن می گیرند.

سرنجام کارگران روسیه در پی مبارزات گسترده ای موفق می شوند نظامی را که به سوی قلب کارگران شلیک کرده بود و رهبران را به چوبه های دار آویخته بود در میهن خود به دار بیاویزند و لاشه متعفن آن را به گور تاریخ بسپارند.

اعدام این رهبران موجی از خشم و نفرت کارگران جهان را برمی انگیزد. انترناسیونال دوم در نخستین کنگره خود در سال ۱۸۸۹ به یاد خاطره تابناک شهدای این واقعه و تجلیل از قهرمانی های آنان، روز اول ماه مه را به عنوان روز بین المللی کارگران اعلام می دارد. سال بعد یعنی در ۱۸۹۰ این روز به عنوان روز نمایش قدرت کارگران و همبستگی و اتحاد آنان در بیشتر کشورهای سرمایه داری از جمله آمریکا، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، آلمان، انگلستان و کشورهای دیگر با تظاهرات وسیع کارگران این کشورها و با درخواست ۸ ساعت کار در روز، به طرزی پرشکوه برگزار می شود.

خونی که از کارگران شیکاگو بر زمین ریخته می شود کارگران را به وحدت و اتحاد می خواند. مبارزه کارگران متشکل تر و منسجم تر می شود. مبارزه آنان دیگر شکل مبارزه علیه ماشین را پشت سر گذاشته و نظام سرمایه داری را هدف قرار داده است تا آنکه

تاریخچه روز اول ماه مه در ایران

در سال ۱۲۹۹ یعنی ۶۴ پیش، برای اولین بار اول ماه مه در ایران تحت تأثیر انقلاب مشروطیت انقلاب سوسیالیستی اکتبر جشن گرفته شد. از آن سال به بعد کارگران کوشیده اند تا جشن اول ماه مه را هرچه با شکوه برگزار کنند، لیکن ارتجاع حاکم بر ایران مانع این خواست آنان گشته است. در سال ۱۲۰۵ و ۱۲۰۶ جشن اول ماه مه برگزار گردید. دستگاه نظمیته آر زمان در ۱۲ اردیبهشت سال ۱۲۰۶ کارگران حمله برد و حدود ۵۰۰ تن را بازداشت کرد. اما کارگران پای نشستند. در سال ۱۲۰۸ به دو از چشم پلیس شاه، جشن با شکوه در اطراف تهران برگزار شد. سخنرانی هایی در خصوص تاریخچه این روز و مقام کارگر ایراد شد که با فریادهای تشویق و کف زدن ها، کارگران همراه بود. بعدها اعضاء فعال اداره کننده جشن از کا اخراج شدند.

پس از سقوط رضاخان مبارزات کارگران به درجه عالی تری ارتقا می یابد تأسیس حزب توده ایران حزب طراز نوین طبقه کارگر د این امر، تأثیر بسزایی دارد. اولین جشن بزرگ روز کارگر در سال ۱۳۱۴ به رهبری شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکش ایران به طور علنی و با شکوه فراوان برگزار می گردد. این جشن در سال بعد یعنی ۱۳۱۵ به نقطه اوج خود می رسد و به عرصه شرکت کثیری از کارگران و زحمتکش میهنمان بدل می گردد. تقریباً بیست و هفت هزار نفر در این مراسم شرکت کردند. به عنوان مثال کارگران راه آهن ناحیه شمال تما، واگن ها را با گل و سبزه آراسته بودند و روستاییان، با ساز و دهل با جشن با صفای کارگران گرمی نشاط خاصی بخشیده بودند. این جشن تقریباً در تمام کشور برگزار شد. در قطعنامه ای که در پایا، مراسم تهران خوانده شد، اجراء فوری قانون کار و بیمه ها، اجتماعی، تهیه کار برای بقیه در صفحه

تاریخچه اول ماهمه در ایران و جهان

بقیه از صفحه ۸

بی‌کاران، تساوی دستمزد زنان و مردان، تصویب قوانین به نفع دهقانان، توجه به مسئله ملی در ایران و اصلاحات دمکراتیک در سراسر کشور گنجانده شده بود.

پیام دوستی کارگران ایران به کارگران جهان

در همین روز از سوی شورای متحده مرکزی تلگرافی به اتحادیه سندیکای جهانی ارسال می‌شود که نشانه وحدت و اتحاد کارگران ایران با کارگران جهان است. در این تلگراف آمده است:

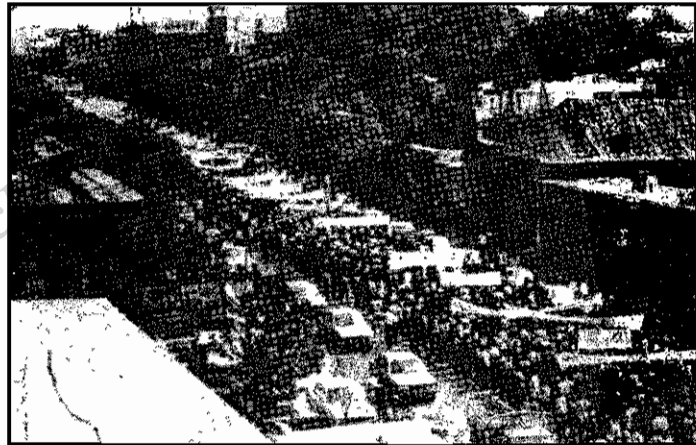
"ما کارگران ایران سلام برادرانه خود را توسط اتحادیه سندیکایی جهانی به کلیه کارگران عالم می‌رسانیم و مبارزه خود را برای شکست کامل فاشیسم به هر

کودتای ۲۸ مرداد تمام نیروی خود را علیه سرکوب میهن‌دوستان ایران و به ویژه سرکوب سازمان‌های کارگری و مترقی قرار می‌دهد. بار دیگر زندان‌ها از مبارزین راه آزادی زحمتکشان و در رأس آن‌ها فعالین حزب توده ایران پر می‌گردد.

در سال‌های سیاه محمدرضای ملعون، کارگران ایران به مبارزه خود ادامه می‌دهند و زیر برق سرنیزه‌ها، جشن اول ماه مه را برگزار می‌کنند.

اولین جشن ماهمه پس از پیروزی انقلاب

بزرگ‌ترین جشن اول ماه مه در تاریخ ایران، در سال ۱۳۵۸ برگزار می‌شود و در آن میلیون‌ها نفر با



تظاهرات در نخستین اول ماهمه پس از پیروزی انقلاب (۱۳۵۸/۲/۱۱) در تهران

اسم و ماسکی که باشد - و ارتجاع بین‌المللی و برای به دست آوردن آزادی و دمکراسی واقعی و صلح عادلانه و دائم ادامه می‌دهیم. سوگند یاد می‌کنیم که تا فتح و پیروزی کامل از پای ننشینیم."

مبارزات کارگران همچنان ادامه دارد. لیکن ارتجاع و امپریالیسم نیز بی‌کار نمی‌نشینند و حملات خود را به مبارزات کارگران آغاز می‌کنند و بسیاری از کارگران را روانه زندان‌های رژیم می‌کنند. با وجود این کارگران جشن کارگری خود را برپا می‌کنند. در سال ۱۳۲۰ به دعوت کمیته تدارک اول ماه مه بیش از ۸۰ هزار نفر از کارگران و زحمتکشان تهران در میدان بهارستان گرد می‌آیند و مراسم اول ماه مه را برگزار می‌کنند.

فریاد "دروید پرکارگران" و "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" شرکت می‌کنند. آنان در قطعنامه پایانی خود خواهان تأمین حقوق و آزادی‌های دمکراتیک برای همه خلق‌های ایران، لغو کلیه قراردادهای اسارت‌آور امپریالیستی، شرکت موثر نمایندگان کارگر در تدوین قانون اساسی کشور و قانون کار، ملی شدن کارخانه و موسسات تولیدی وابسته به سرمایه‌های خارجی و عمال داخلی، آزادی فعالیت سندیکایی، شرکت در اداره موسسات صنعتی و کشاورزی و بسیاری از خواست‌های انقلابی دیگر می‌شوند که در مطبوعات آن زمان انعکاس می‌یابد.

در سال‌های بعد از انقلاب نیز کارگران این روز را با شکوه هرچه

رفیق شهید کارگر، حسن حسین پور تبریزی، یکی از رهبران جنبش سندیکایی ایران که به دست پلید امپریالیسم و ارتجاع، زیر شکنجه‌های بربرمنشانه زندانبانان رژیم شهید شد. در عین حال شاعری از و برای طبقه خود بود. "اول ماه مه" یکی از اشعار بی‌شمار رفیق شهید ماست که در بهار سال ۱۳۲۸ سروده. "راه توده" این شعر پربار را که کلام زنده شهیدی از تبار رنج و کار است، در عید کارگران جهان، بدانان تقدیم می‌کند:

اول ماهمه

ببایید عهد پیشین را به یاد آریم
امید رفتگان را تازه گردانیم
در این فرخنده جشن ماه مه جام نخستین را
به یاد آن رفیق، یا آن شهید خلق ما نوشیم
که در این نوبهار ما
اگر بس سرخ گل، بس لاله خواهد رست
زخون پاک ایشان مایه خواهد داشت

جهان پیر ما یاران!
امید و آرزوهای جوان دارد
ولی افسوس،

که این جنگاور پیرو امیدافروز ملت‌ها
نشد سالی که داغی را به داغ ما نیافزاید

جهان می‌خواهد این رسم کهن را ما براندازیم
"فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم"
بدین شهر ستم گستر بساط عدل و علم آریم
که "دست افشان غزل خوانیم و پاکویان سراندازیم"

شما ای مهران با هر کلام اتحاد و هر سرود خوش
طلوع آفتاب آرزوها را،
به جان‌ها مزده می‌آرید:
رسد آن روزگار خوش که دنیا را جوان سازیم
درفش کاوه را با رأی الفتوای زمان خود
به دشت زکوه و دریاها بیافرازیم
رسد آن روزگار خوش

که فارغ از غم نان و ستم‌های توان فرسای امروزی
ز حاصل بخشی کار خود و عدل زمان اقتدار خود
به رسم حافظ شیراز:

همیشه "گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم"
و یاد آن رفیقان را

که جان را جام فتح مردمان کردند
سرودی جاودان سازیم.

این‌گونه است و هیچ نیرویی نمی‌تواند مانع اتحاد، مبارزه و پیروزی آنان گردد. امسال نیز اگرچه حکومت جمهوری اسلامی ایران اکثر تشکلهای کارگری را مورد سرکوب قرار داده است و رهبران آن را بازداشت کرده است و حق آزادانه اجرای مراسم روز اول ماه مه را از کارگران گرفته است. لیکن کارگران ایران این روز را حتی در زندان‌ها با شعار مرگ بر امپریالیسم آمریکا و استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی برگزار خواهند کرد.

تمام‌تر و به روزافزای توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع بدل می‌سازند. لیکن امپریالیسم به یاری ارتجاع داخلی حمله خود را علیه جنبش کمونیستی و کارگری ایران سازمان می‌دهد و یورش به سازمان‌های انقلابی و کارگری از جمله حزب توده ایران را آغاز می‌کند و بسیاری از رهبران و اعضا و فعالین آن را به زندان می‌افکند و در زیر شدیدترین شکنجه‌های جسمی و روحی به شهادت می‌رساند.

اما تاریخ جنبش کارگری ایران و جهان پراز فراز و نشیب‌هایی از

نگرانی مردم مرفقی جهان از سرنوشت نامعلوم هزاران توده‌ای در بند

بقیه از صفحه ۲

هندوستان

بیست و نهم فوریه (۱۰ اسفند) به ابتکار سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و با حمایت حزب کمونیست هندوستان، جلسه‌ای در شهر بارودا برگزار گردید. در این جلسه پیرامون اوضاع کنونی ایران و به ویژه سیاست‌های ارتجاعی رژیم حاکم بر مین ما در قبال مین دوستان و مبارزین دگراندیش، توضیحاتی داده شد. دبیر ایالتی حزب کمونیست هندوستان، باردیگر به نمایندگی از جانب کمونیست‌های منطقه، پشتیبانی بی‌دریغ خود را از نیروهای مرفقی و به خصوص حزب توده ایران که تحت فشار و تضییقات حکومت جمهوری اسلامی به سر می‌برند اعلام داشت و جنایات رژیم جبار ایران را در حق این نیروها شدیداً محکوم کرد. در پایان جلسه، قطعنامه‌ای به اتفاق آراء در این زمینه به تصویب رسید.

● در میتیگی که در تاریخ ۲۸ فوریه (نهم اسفند) بنابه دعوت حزب کمونیست هند در مدرس برگزار شد، رویدادهای اخیر ایران و به ویژه بازداشت، شکنجه و کشتار توده‌ای‌ها و سایر نیروهای مدافع انقلاب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جلسه طی صدور قطعنامه‌ای که به امضای شخصیت‌های حاضر در جلسه رسید، اعمال وحشیانه رژیم حاکم بر ایران را محکوم کرد و انتشار لیست کامل زندانیان، دیدار هیأت‌های بین‌المللی از آنان، مراعات حقوق حقه ایشان، پایان دادن به زجر و شکنجه و آزادی کلیه زندانیان سیاسی مرفقی را خواستار گردید.

● انجمن ملی شاعران و نویسندگان مرفقی ایالت تامیل نادر، جلسه‌ای در حمایت از زندانیان سیاسی مرفقی ایران به تاریخ سوم مارس (۱۳ اسفند) برگزار کرد. در این جلسه قطعنامه‌ای مبنی بر محکوم کردن جنایات حکومت جمهوری اسلامی در قبال مین دوستان و مبارزان راه آزادی ایران و خواست آزادی آنان از بند، صادر شد.

دمکرات آلمان، بخش شرق گوتینگن ● سندیکای صنایع ساختمان گوتینگن ● سازمان حزب دمکرات خلق کردستان در آلمان ● مجمع عمومی دانشجویان دانشگاه و مدارس عالی دوسلدورف ● اتحادیه سوسیالیست‌های مدارس عالی دوسلدورف ● حزب سبزها، شعبه نوردراین وست فالن ● جامعه کلیساهای اوانگلیست پیرو لوتر در هولشتین.

● ۲۲ تن از جوانان عضو سندیکای پست آلمان فدرال، طی برگزاری جلسه‌ای، همبستگی کامل خود را با حزب توده ایران و زندانیان توده‌ای ابراز داشتند. آنان با صدور قطعنامه‌ای اعمال وحشیانه رژیم را در قبال زندانیان محکوم کرده، آزادی ایشان را خواستار شدند.

گروهی از افسران و اعضای حزب توده ایران را شدیداً محکوم کردند. آنان از طریق ارسال نامه و مخابره تلگرام به مقامات مسئول جمهوری اسلامی، نسبت به پایمال کردن موازین حقوق بشر و شکنجه و آزار زندانیانی که صرفاً به جرم آزادی‌خواهی و دفاع از حقوق مردم ستم دیده و محروم اجتماع به بند کشیده شده‌اند، اعتراض کردند:

● گروه کار فدراسیون اتحادیه‌های کارگران ترکیه در آلمان فدرال، شعبه کیل ● حزب سوسیال دمکرات، بخش گوتینگن ● شعبه حزب سبزها و دانشجویان کاتولیک گوتینگن ● شعبه‌های حزب کمونیست آلمان و گروه کمونیست‌های دانشگاه اولدنبرگ و حزب کمونیست آلمان، بخش نیدرساکسن ● اتحادیه سندیکایی آلمان در گوتینگن ● حزب سوسیال

جهانی حقوق بشر که ایران نیز یکی از امضاءکنندگان آن است، صریحاً تقاضای می‌کند.

به این مناسبت، گروه کمونیست و منفرد هیأت نام برده، اخیراً از دانشکده رییس پارلمان اروپا، تقاضا کرد تا هر چه زودتر اقداماتی در این زمینه به عمل آورد. رییس پارلمان اروپا ضمن پاسخ مثبت به این درخواست، نگرانی و تأثر خود را در باره آنچه بر مدافعان آزادی در ایران می‌رود، ابراز داشته است. رونه بیکه در پایان اظهار می‌دارد:

"آقای وزیر، تصریح می‌کنید در نشست‌هایی که در کادر همکاری سیاسی با ده کشور اروپایی دارید، تبادل نظر و اتخاذ تصمیمات مشترک در مورد این مسایل ضروری و ارزشمند باشد؟"

آلمان فدرال

نیروهای مرفقی شهر آخن علیه جنایات ضدبشری رژیم ج.ا. اعتراض می‌کنند

سازمان "ضدفاشیست‌ها و کسانی که تحت پیگردنازی‌ها قرار داشتند"، هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در آخن، روز ۲۴ مارس (۴ فروردین) تظاهرات علیه سیاست‌های ارتجاعی حکومت جمهوری اسلامی در زمینه بسط روابط با امپریالیست‌ها، ادامه جنگ خانمانسوز با عراق و شکنجه و کشتار آزادی‌خواهان در ایران برپا کردند. در این تظاهرات سایر نیروهای خارجی از جمله سازمان‌های مرفقی از قبرس، یونان، ویتنام و گروه‌های مرفقی آلمانی نیز شرکت داشتند. تظاهرکنندگان ضمن حمل پلاکارتهایی به افشای اعمال جنایت‌کارانه رژیم جمهوری اسلامی در قبال نیروهای طرفدار صلح و استقلال ایران و از جمله اعضای حزب توده ایران پرداختند. این تظاهرات توجه بسیاری از مردم شهر را به خود جلب کرد و حمایت آنان را از زندانیان دمکرات ایران برانگیخت.

● سازمان‌های زیر در آلمان فدرال، اجرای حکم اعدام در مورد

آمریکا

آنجلادیویس برای چندمین بار نسبت به جنایات رژیم ج.ا. اعتراض کرد

موج خشم و اعتراض مردم و شخصیت‌های مرفقی آمریکا نسبت به برپایی دادگاه‌های فرمایشی، صدور و اجرای احکام جابرا، زندان‌های طویل‌مدت و اعدام افسران و اعضای حزب توده ایران، هم‌چنان ادامه دارد.

● در میان سایر شخصیت‌هایی که نسبت به اعمال جنایت‌بار حاکمیت جمهوری اسلامی علیه آزادی‌خواهان ایران اعتراض کردند، از جمله پرفسور جان مرو پرفسور جان کلی، استادان دانشگاه برکلی - کالیفرنیا، خانم بینگ کلی، عضو شورای برکلی، کاس نیوپرت شهردار این شهر به چشم می‌خورد.

● شورای صلح سانفرانسیسکو ضمن محکوم کردن روش‌های غیرانسانی حکومت جمهوری اسلامی، کلیه افراد و سازمان‌های مرفقی آمریکا را فرا خوانده است تا برای نجات جان زندانیان فعالیت کنند.

● گروهی از اعضای سازمان پوزیلنگ‌های خاکستری در شمال کالیفرنیا، طی ارسال نامه‌هایی به مقامات حکومتی ایران، خواستار رعایت حقوق مسلم زندانیان توده‌ای شده‌اند.

● آنجلادیویس شخصیت برجسته و مبارز سیاسی بنام آمریکا برای

رابط و ویلی، مسئول کمیته همبستگی با ایران در اوکلاهما، طی ارسال نامه‌ای به هیأت دایمی جمهوری اسلامی در سازمان ملل، به ویژه، اعدام‌های وحشیانه را محکوم نموده و پایان دادن به اعمال ضدبشری حکومت در قبال نیروهای مرفقی را خواستار شده است. وی همچنین نامه‌هایی خطاب به مسئولین حکومتی کشورهای سوریه، الجزایر و لیبی نوشته و از آنان درخواست کرده است تا تمام امکانات خود را جهت نجات زندانیانی که در انتظار دادگاه‌های بعدی و تحت شکنجه‌های طاقت‌فرسا به سر می‌برند، به کار بندند.

● آنجلادیویس شخصیت برجسته و مبارز سیاسی بنام آمریکا برای

انقلاب پیروز افغانستان، بی بازگشت است!

به مناسبت ششمین سالگرد پیروزی انقلاب دمکراتیک خلق افغانستان

در ۲۶ آوریل سال ۱۹۷۸ (۵ اردیبهشت ۱۳۵۷) زحمتکشان افغانستان به رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان، با پیام مسلحانه‌ای که ارتشیان رقی خواه میهن دوست افغانستان حالانه در آن شرکت داشتند، رژیم مداخلتی و فئودال - کمپرادوری این شور را سرنگون ساختند. با پیروزی انقلاب ضد فئودالی، مدامپریالیستی و دمکراتیک افغانستان، راه برای استقلال واقعی، دمکراسی و برابری حقوق مام افراد جامعه در این کشور موار گردید. این انقلاب سرآغاز ایان بخشیدن به دوران ظلمت فئودالی، عقب ماندگی، فقر و

عمده از صنایع نساجی و غذایی تشکیل می‌شد و تنها پایه "صنعتی" این کشور را تشکیل می‌داد. تولید کشاورزی در اقتصاد افغانستان، نقش اساسی و تعیین کننده‌ای داشت و بالغ بر ۶۰ درصد تولید ملی و ۷۰ درصد صادرات کشور را تشکیل می‌داد. محصولات به دست آمده به علت تسلط شیوه‌های کهنه فئودالی و پیدارساری حاکم بر تولید کشاورزی، نیازهای روزافزون ۱۸ میلیون جمعیت کشور را تأمین نمی‌کرد. زمین‌داران بزرگ که تنها ۵ درصد مردم روستا را شامل می‌شدند، در مجموع بیش از دوسوم زمین‌های زیر کشت را در تصاحب خود داشتند. علاوه

فرمان شماره ۶ شورای انقلاب، بدهی دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، به زمین‌داران بزرگ و رباخواران ملغی شد. این فرمان ۱۱/۵ میلیون دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، یعنی بیش از ۸۰ درصد روستاییان را در برمی‌گرفت. براساس فرمان شماره ۸ که منشور اصلاحات ارضی به نفع توده‌های دهقانان بی‌زمین و کم زمین بود، حد مالکیت ارضی قریب ۵ هکتار تعیین شد و تنها آن دهقانانی زمین دریافت می‌کردند که خود و یا به کمک اعضای خانواده خود آن را کشت می‌کردند. در نخستین مرحله اصلاحات ارضی، ۲/۵ میلیون دهقان بی‌زمین صاحب زمین شدند و از زمین‌داران بزرگ

منطقه، جنگی اعلام نشده علیه افغانستان دمکراتیک را آغاز کردند. هزاران مزدور ضدانقلابی، در اردوگاه‌های ویژه مخفی که در کشورهای هم‌جوار افغانستان برپا گشته بودند، از سوی کارشناسان آمریکایی و چینی آموزش می‌دیدند و مجهز به سلاح‌های آنان، برای فعالیت ضدانقلابی، روانه



افغانستان می‌شدند. پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ در ایران، محافل امپریالیستی به سرکردگی آمریکا، هم‌کام با دسیسه‌های خود علیه انقلاب ایران، دامنه توطئه‌ها و مداخلات و فعالیت‌های ضدانقلابی علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان را به طور بی‌سابقه‌ای گسترش دادند.

از سوی دیگر عقب افتادگی عمومی و کم‌تغذیر جامعه افغانستان و برخی اشتباهات در روش رهبری کشور، منجر به آن شد که فرد خائنی چون امین‌و دار و دسته او زمام امور کشور را در دست بگیرند و دست‌آوردهای انقلاب و استقلال ملی افغانستان را در معرض خطر جدی قرار دهند و راه را برای توطئه‌های دسیسه کاران امپریالیستی - مائوئیستی -

سلب مالکیت شد. از دیگر دست‌آوردهای انقلاب اردیبهشت ۱۳۵۷، تأمین آموزش و بهداشت همگانی و رایگان و آزادی‌های دمکراتیک بود. کارزار پیکار با بی‌سوادی آغاز و حقوق زن و مرد برابر اعلام شد. انقلاب افغانستان و دست‌آوردهای آن ضربه‌ای سهمگین بر پیکر امپریالیسم و ارتجاع منطقه بود. از همان نخستین روز استقرار جمهوری دمکراتیک افغانستان، نیروهای ضدانقلاب و فئودال‌ها و زمین‌دارانی که زمین‌های غصبی‌شان به نفع توده‌های زحمتکش مصادره شده بود، به همراه ریزه‌خواران سفره خود یعنی وعاظ السلاطین مزدور به مقابله با آن برخاستند. محافل امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، برتری جویان چین و ارتجاع

بر آن آب، بذر و کشت افزارها نیز به آن‌ها تعلق داشت. در مقابل هفتاد و هشت درصد روستاییان فاقد زمین بودند. بنابر تخمین کارشناسان سازمان ملل، افغانستان در زمره عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان بود. درآمد سرانه قبلی کمتر از ۱۰۰ دلار بود و در سراسر کشور تنها ۸۰۰ پزشک و ۷۵ مرکز پزشکی وجود داشت. ۹۰ درصد مردم بی‌سوادی و زنان از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم بودند. پس از پیروزی انقلاب، شورای انقلاب، به مقابله عالی‌ترین ارکان قدرت دولتی، در ۱۹ اردیبهشت طی برنامه‌ای هدف‌های عمده خود را در جهت بازسازی انقلابی کشور بیان داشت. اصلاحات ارضی بنیادی در صدر برنامه دولت قرار داشت. با صدور

سوادی مردم افغانستان محسوب شود. روند بازسازی انقلابی در افغانستان، در شرایط اجتماعی - اقتصادی دشواری آغاز گشت. ناسبات فئودالی و ماقبل فئودالی، نیروهای مولده کشور را بند کشیده بودند و در بخش نفعت کشور - که ۱۲ درصد تولید اخلاص ملی را تشکیل می‌داد - عطف چشم‌گیری نمایان بود. در شور قریب ۲۰۰ موزه تولیدی و ارخانه وجود داشت که به طور

در هفته‌ای که گذشت:

بر "اعتبار" رهبران ج.ا.نزد دولت ناتوی ترکیه افزوده می‌شود!

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاست بریاد دادن دست‌آورد های انقلاب بهمین و زدن چوب حراج به استقلال ملی کشور، هیأت‌های بلند پایه‌ای را از کشورهای ترکیه و سنگاپور به ایران دعوت کردند.

رییس هیأت اقتصادی دولت ناتوی ترکیه، هنگام ورود به ایران طی مصاحبه‌ای گفت:

"ایران برای ما دو مشخصه عمده و مهم دارد. یکی اینکه امروز بالاترین حجم مبادلات اقتصادی را با ترکیه دارد. دوم اینکه از نظر ما یک کشور معتبری است که هر چه قول بدهد و هر قراردادی که امضاء کند به آن عمل می‌کند(!)"

با توجه به اینکه رهبری جمهوری اسلامی به وعده‌های خود در قبال مردم پشت کرده و به اهداف انقلاب خیانت ورزیده است، "خوش قولی" آنان در برابر امپریالیسم و کشورهای وابسته به آن نه تنها تعجب برانگیز نیست، بلکه امری طبیعی و قانونمند است.

از سوی دیگر بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین دولت جمهوری اسلامی در مورد حجم مبادلات اقتصادی ایران و ترکیه گفت:

"شاید من بتوانم بگویم که (حجم مبادلات) ۲۵ تا ۳۰ برابر قبل از انقلاب است. چرا که قبل از انقلاب روابط با ترکیه روابط ناسالمی بود (ظاهراً ۲۵ تا ۳۰ برابر شدن حجم مبادلات، این روابط را بسیار سالم کرده است...) حجم مبادلات در ۳ سال گذشته، خصوصاً جهش بیشتری پیدا کرده و سال ۶۱ حدود ۲ میلیارد دلار بوده. سال ۶۲ شاید این مقدار به ۴ میلیارد دلار رسید و امسال هم، پیمان جدیدی منعقد خواهد شد که هنوز زود است که ما بدانیم تا چه حجمی خواهد بود."

هنگامی که حجم مبادلات ایران با ترکیه در سال گذشته به ۴ میلیارد دلار بالغ شده باشد، می‌توان ارقام نجومی معاملات ایران با "اولین شریک تجاری" آن یعنی امپریالیسم ژاپن را حدس زد.

همچنین هفته گذشته یک هیأت سنگاپوری به ریاست مدیرکل شورای توسعه و تجارت این کشور به ایران مسافرت کرد و در زمینه مسائل بازرگانی، بانکی، کشتیرانی و نفت با مسئولین جمهوری اسلامی مذاکراتی به عمل آورد. در این مذاکرات قرار شد در سال آینده، حجم مبادلات تجاری بین دو کشور که به حدود نیم میلیارد دلار در سال می‌رسد، افزایش یابد.

هنگامی که در نظر آوریم سنگاپور بندر آزادی است که در زمینه بازار و عرضه خدمات تجاری و تهیه کالا از اقمی نقاط دنیای امپریالیستی و همچنین امور کشتی‌رانی و امور بانکی یکی از

پایگاه‌های مهم امپریالیسم در آسیا و شرق دور به حساب می‌آید، تلاش رژیم جمهوری اسلامی برای گسترش روابط با این کشور قابل فهم تر می‌شود. رژیم جمهوری اسلامی قادر است از طریق سنگاپور به طور غیرمستقیم (و در نتیجه گران‌تر) به برخی از کالاهای امپریالیستی مورد نظر خود که در آن کشورها ساخته می‌شوند، دسترسی یابد.

امپریالیسم "عاقل" ژاپن اولین شریک ج.ا.

هفته گذشته، علی‌اکبر ولایتی وزیر خارجه دولت جمهوری اسلامی که در چارچوب سیاست بازسازی و گسترش مناسبات جمهوری اسلامی با جهان امپریالیستی، در رأس یک هیأت بلند پایه دولتی به ژاپن و مالزی سفر کرده بود، به تهران بازگشت.

او پس از بازگشت در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه اطلاعات در مورد گسترش روابط جمهوری اسلامی با امپریالیسم "عاقل" ژاپن گفت:

"با توجه به اینکه ژاپن اولین شریک تجاری ما در دنیا، در سال گذشته بوده... رابطه با ژاپن برای ما اهمیت دارد. اخیراً نیز علاوه بر پروژه‌هایی که قبلاً توسط ژاپنی‌ها انجام شده و یا در دست انجام است، قرارداد اجرای پروژه‌هایی در فولاد مبارکه و مرکز تولید برق قزوین با آن‌ها امضاء شده است."

آقای ولایتی همچون دیگر سردمداران خائن جمهوری اسلامی که در منجلاط سازش با امپریالیسم فرو رفته‌اند و به منظور پنهان کردن خیانت‌های خود به اهداف انقلاب، تلاش دارند ماهیت استثمارگرانه و سلطه جویانه امپریالیسم را پرده پوشی کنند، در ادامه سخنان خود گفت:

"با توجه به اینکه ما در پی گسترش روابط با کشورهای مستقیم که قصد ایجاد سلطه در کشور ما را ندارند... فکر می‌کنیم که پیوند صنعتی و تکنولوژی با ژاپن تا حدود زیادی در این راستا (۱) می‌تواند موثر باشد."

"اصلاح" یا مسخ کامل لایحه تجارت خارجی

هفته گذشته، مجلس شورای اسلامی لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی را طبق رهنمودهای شورای نگهبان سرمایه‌داری "اصلاح" کرد.

لایحه دولتی کردن تجارت خارجی در اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این لایحه که هم از لحاظ محتوی و هم از نظر مدت‌زمانی که بایستی اجرا شود، دارای نقاط ضعف مهمی بود، در صورتی که با

قانون کنترل دولتی توزیع داخلی از طریق د کردن عمده فروشی همراه می‌شد، می‌توانست حل دشواری‌های اقتصادی جامعه و تأمین عد اجتماعی نقش بزرگی ایفا کند. اما ش نگهبان سرمایه‌داری بلافاصله این قانون ر کرد.

منخبر کمیسیون "اصلاح" لایحه دولتی ک تجارت خارجی طی سخنانی در مجلس گفت: این لایحه "از لحاظ قانون اساسی با اکثر آراء شورای نگهبان مغایر شناخته نشد" از لحاظ موازین شرعی... به تأیید اکثر فقهای شورا رسید" (اطلاعات - ۱۱ اردیبه ۶۳).

منخبر کمیسیون اضافه کرد: "بدین ترتیب ما ناگزیر بودیم که لایحه ر شکلی اصلاح کنیم که شورای نگهبان آن بپذیرد" در نتیجه "روح کلی این اصلاحیه بر مبنی است که تجارت خارجی صد در صد اختیار دولت نیست (!)".

او در ادامه سخنان خود گفت: "نکته دیگری که مورد اشکال شورای نگهبان بود این مسئله بود که بخش خصوصی اگر کال وارد کشور کرد، توزیع آن باید در دست دو باشد... حال چون حل این مسئله جز با ح راهی نداشت، بندهای مربوطه را حذف کردیم در واقع با این "اصلاحیه"، "شیرینی‌بال ود اشکی" به عنوان قانون دولتی کردن تجار خارجی به تصویب رسید که به جز نام "دو کردن" مزیت دیگری ندارد. قانونی که در مچ به تصویب رسید، با اصل ۴۴ قانون اساسی ک مغایر است. اما برای اعضاء شورای نگهبان چهار چشم مواظبند تا قوانینی مغایر شرع - صریح‌تر و دقیق‌تر مغایر منافع سرمایه‌داران زمین‌داران - تصویب نشود، مغایر بودن ا قانون با قانون اساسی هیچ مسئله خلا "شرعی" نیست!

ما در این مورد باز هم صحبت خواهیم کرد.

اعتراضات مخالفین کشتارو...

بقیه از صفحه ۱
غرب به رژیم جمهوری اسلامی، از دید انگیزه‌های این اقدام است.

در فرانکفورت معترضین خواستار اعزام هیأت بین‌المللی جهت بازدید و تهیه گزارش زندان‌های ایران و وضع زندانیان سیاسی انتشار عمومی این گزارش شدند. آنها همچنان خواستار قطع کمک‌های نظامی و اقتصاد امپریالیسم به رژیم جمهوری اسلامی هستند. از سوی دیگر در اطریش چندین تظاهر کنند در حالی که با زنجیر خورد را به یکدیگر بست بودند، به انجام نمایش اعتراضی در مرکز شوی مبارزت کردند.

این اعتراضات و اقدامات مشابه آن مانند اعتصاب غذای صدها ایرانی میهن‌دوست در برلین، کلن، اطریش، دانسارک و... نشان دهند گسترش روزافزون اعتراضات علیه کشتار و اختناق و پایمال کردن حقوق انسان‌ها در ایرا است.

ریتسوس: شاعر صادق سرنوشت یونان

ریتسوس بر ظلم و شکنجه غلبه یافت و دور از نگاه کینه‌توز دژخیمان به گوش دل آزادی‌خواهان رسید. ریتسوس در سال ۱۹۵۲ از فراموشخانه‌های "لیموس" به میان خلق بازگشت و بی‌درنگ پیکار انقلابی خود را از سر گرفت.

پس از کودتای خونین سرهنگان در سال ۱۹۶۷ که با کمک پیمان ناتو و حمایت نارگان ششم آمریکا به اجرا درآمد، باردیگر نیروهای مترقی و میهن‌دوست تحت تعقیب و کشتار قرار گرفتند. شاعر توده‌ای یونان با سرپوشور و تن رنجور بار دیگر به زندان افتاد. به اعتراض یکبارچه افکار عمومی جهان و مردم آزاده یونان در سال ۱۹۷۰ اواربند رست.

ریتسوس به پاس فعالیت‌های خلاق هنری و پیکار خستگی‌ناپذیر اجتماعی‌اش در سال ۱۹۷۷ به افتخار دریافت جایزه صلح لنینی نایل آمد. در همین سال برنده جایزه ادبی نوبل شناخته شد. از یانپس ریتسوس تا کنون بیش از هفتاد کتاب شعر و چند اثر نمایشی و مجموعه مقاله منتشر شده است. آثار او به بیش از ۲۴ زبان زنده دنیا ترجمه شده است. دو مجموعه ازگزیده آثار او به زبان فارسی درآمد است.

ریتسوس همواره در پیکار اجتماعی سراسرگیتی در راه صلح و پیشرفت و ترقی اجتماعی حضور فعال داشته است. یکی از آخرین توده‌های مبارزه انقلابی او، حمایت بی‌دریغ از انقلاب میهن ما و اعتراض شدید به یورش وحشیانه حاکمیت جمهوری اسلامی بر نیروهای انقلابی، به ویژه حزب توده ایران بوده است. کمتر از دو ماه پیش ریتسوس به اتفاق دوست پرآوازه‌اش تئودوراکیس در اعتراض به اعدام جنایتکارانه ده میهن‌دوست توده‌ای بی‌پایه محکوم کننده‌ای برعلیه دژخیمان مردم ستم‌دیده ایران انتشار داد.

در سالگرد فرخنده اول ماه مه با تعظیم به پرولتاریای جهانی و فرزند یونانی‌اش، یانپس ریتسوس، یکی از سروده‌های او را به مناسبت "روز همبستگی جهانی کارگران" بقیه در صفحه ۱۵



نشریه ارگان حزب کمونیست قلم می‌زد. شعر ریتسوس با شبیخون بی‌رحمانه ارتجاع و مزدوران امپریالیسم بر طبقه کارگر و حزب پیش‌آهنگ او، در خدمت مقاومت جانبازانه خلق قرار گرفت. در سال ۱۹۶۱، هیتلر به کمک هم‌پیمانان ایتالیایی خود برای سرکوب جنبش رهایی یونان به میهن ریتسوس لشکر کشی کرد. جبهه مقاومت ملی که از کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها تشکیل می‌شد، به دفاع از میهن برخاست. ریتسوس با وجود آنکه از بیماری هولناکی رنج می‌برد در صف اول رزمندگان جبهه قرار گرفت.

در سال ۱۹۴۴، با شکست تجاوزگران فاشیست، یک دولت دمکراتیک انقلابی به سرکار آمد. اما به زودی ارتجاع داخلی به یاری نیروهای انگلیسی‌بسط منحوس سلطنت را بازگرداند. با یورش جدید ارتجاع و جیره‌خواران امپریالیسم هزاران رزمنده میهن‌دوست و انقلابی به خون غلطیدند.

در سال ۱۹۴۷ "دکترین ترومن" یونان را قلمرو "منافع آمریکا" اعلام کرد با سرمایه امپریالیسم جنایتکار آمریکا چندین زندان برای فرزندان خلف خلق یونان ساخته شد و بیش از ۲۰ هزار میهن دوست در بند افتادند. ریتسوس از نخستین انقلابیونی بود که به زنجیر کشیده شد. از سال ۱۹۴۸ در جزیره مخوف "لیموس" با روزی ۱۵ ساعت اعمال شاقه از شاعر خلق "پذیرایی" کردند. فریاد عاصی

که ریتسوس در کنار مایاکوفسکی، نرودا، ناظم حکمت و برشت در جایگاه بزرگ‌ترین شاعران قرن بیستم قرار می‌گیرد.

تئودوراکیس که بسیاری از اشعار او را به موسیقی درآورده در باره ریتسوس چنین می‌گوید: "او عمیق‌تر از هرکس دیگری طپش قلب خلق ما را می‌شنود و پیام آن را بازمی‌گوید. او شاعر صادق سرنوشت غم‌بار یونان است."

سراسر آثار ریتسوس از پیوند میهن‌دوستی اشرناپیونالیستی آکنده است. پیام انسانی او در تمامی گیتی، پژواک می‌یابد. ظنین گرم شعر او، آزادی و بهروزی همه بشریت را نوید می‌دهد:

بشنوید که این باد وزیده از جنگل‌ها چه سان در شهرهای آینده صغیر می‌کشد

عظیم است این باد پس شادمان است و سرکش.

می‌درخشد از شهیدان می‌درخشد از آینده و امید.

چه سترگ است این باد! درم خواهد ریخت همه دیوارها را

دیوارهای میان خلق‌ها دیوارهای مرگ و نابودی

دیوارهای میان جان‌ها و قلب‌ها دیوارهای برکشیده میان من و تو

و باز می‌کشاید پنجره خورشید را به روی جهان

گوش فرادمید به خروش این باد در همه مرزهای به خون آغشته جهان.

زندگی ریتسوس با تاریخ میهن بلازده‌اش پیوند ناگسستنی دارد. او در اول ماه مه ۱۹۰۹ در جزایر پلپونز یونان به دنیا آمد. در اوان جوانی اندیشه خود را با جهان‌بینی مارکسیسم - لنینیسم سیراب نمود و با تأسیس حزب کمونیست یونان به آن پیوست و تا امروز در شمار فعالین این‌حزب بوده است.

در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم که یونان در چنگال ارتجاع سلطنتی اسیر بود، ریتسوس در

امسال، یونان، روز اول ماه مه را نه تنها به عنوان "روز جهانی کارگر"، بلکه به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد تولد شاعری جشن می‌گیرد که سراسر زندگیش با مبارزه، شکست و پیروزی زحمتکشان یونان گره خورده است. شعر ریتسوس تنها به حزب او، حزب کمونیست یونان تعلق ندارد، بلکه از آن کل جنبش انقلابی مردم است. شهرت و محبوبیت او در یونان با آوازه دوست آهنگساز میکیس تئودوراکیس قابل مقایسه است. مردم او را "شاعر خلق" می‌شناسند، زیرا در پیکار بی‌امان خویش علیه امپریالیسم و دیکتاتوری همواره از اشعار او نیرو گرفته‌اند. خود او در شعری می‌گوید:

... بعدها نگویید که من کار مهمی انجام داده‌ام

چرا که من، رفقا، تنها به دیواری تکیه دادم که شما نیز تکیه داده بودید

تنها در اردوگاه‌ها نام قهرمانان و شهیدانمان را به یاد می‌آوردم

تنها دستبندهایی بردست داشتم که بردستان شما هم بود

و تنها با شما رنج می‌کشیدم و با شما در رویا فرو می‌رفتم

و تنها من و تو یکدیگر را یافتیم، ای رفیق!

برخلاف فروتنی بزرگوارانه ریتسوس در این شعر، او با زندگی خلاق و هنر رزم جویانه خود چنان اوجی یافت که لویی آراگون شاعر فرانسوی درباره‌اش گفت:

"ریتسوس بزرگ‌ترین شاعر روزگار ماست. او رساتر از هر شاعر دیگری رازهای جهان را بر من باز می‌کشد... هنر ریتسوس بی‌کران است. او تمام زاری‌ها و شکوه‌ها و گلایه‌های خلق درمند و ستم‌دیده خود را بازگویی کند."

ریتسوس پا به پای خلق یونان، رنج کشید و رزمید و با آثار خود بر زخم‌های مردم مرهم نهاد و بر دل‌هایشان نور امید نشانید. اشعار او آکنده از خوش‌بینی و امید به آینده است. عشق و احترام به انسان و نفرت و بی‌زاری از دشمنان مردم، ویژگی بارز شعر بسیجنده اوست. به خاطر این ویژگی‌هاست

چهل سال از تاسیس شورای ...

بقیه از صفحه ۶

کارگران و زحمتکشان ایران نوشت:

"بالاخره پس از دو سال انتظار، دولت ... لایحه قانون کار را تقدیم مجلس نمود."

این اولین باری بود که تحت فشار طبقه کارگر و سازمان سراسری او، چنین لایحه‌ای به مجلس برده شد. اما هدف دولت وقت به هیچ وجه تصویب یک قانون کار مترقی نبود. روزنامه ظفر هم چنین می‌افزاید:

"این قانون که ما آن را گول زدن کارگران می‌خوانیم، به قدری مفتضح و ناقص است که اگر بخواهیم آن را شرح دهیم ستون‌های روزنامه گنجایش آن را نخواهد داشت."

پس در همانجا اشکالات اساسی لایحه و پیشنهادهای مشخص شورای متحده مطرح می‌شود. ولی شورا به این پیشنهادات اکتفا نمی‌کند. راه پیمایی‌ها و گردهم‌آیی‌های متعددی از طرف کارگران، جهت پشتیبانی از تدوین یک قانون کار مترقی برپا می‌شود در عین حال، شورای متحده مرکزی، برای قانون کار طرحی تنظیم و به مجلس ارائه می‌کند. در کمیسیونی که برای بررسی این طرح تشکیل شد، نماینده شورای متحده مرکزی به عنوان نماینده واقعی کارگران سراسر ایران شرکت کرد. روزنامه ظفر مورخ ۱۳۲۵/۲/۲۲ خبر می‌دهد:

"سومین جلسه کمیسیون مشورتی طرح قانون کار... با حضور آقایان روستا، نماینده شورای متحده... تشکیل و طرح مزبور پس از شور و اصلاح تقدیم شورای اقتصادی گردید (در آن زمان هنوز وزارت کار وجود نداشت)."

روزنامه ظفر مورخ ۱۳۲۵/۲/۲۰ خبر پیروزی کارگران را با این جملات انتشار داد:

"قانون کار تصویب شد. مشت محکم کارگران بردهان ارتجاع فرود آمد."

بدین ترتیب طبقه کارگر ایران توانست با نیروی متشکل و سازمان سراسری خود، یک پیروزی بزرگ و تاریخی کسب کند. اگرچه بعداً این قانون توسط حکومت وابسته شاه مسخ شد و اکثریت مواد آن هیچ‌گاه به اجرا در نیامد، ولی

سنگ‌پایه و ستون فقرات آن توسط مبارزات ۴۰ ساله طبقه کارگر پی‌ریزی می‌شد. لازم به یادآوریست که برای اولین بار تعطیلی اول ماه مه در این قانون به رسمیت شناخته شد و جزو تعطیلات رسمی کارگران محسوب گردید.

حملات ارتجاع

علیه شورای متحده مرکزی

ارتجاع چه در جریان تکوین شورای متحده مرکزی و چه پس از آن، هیچ‌گاه از توطئه علیه تشکل سراسری کارگران دست نکشید. در مرحله پیش از تشکیل شورای متحده، ارتجاع امید داشت تا با کمک افرادی که با ماسک طرفداری از کارگران در رهبری اتحادیه‌های کارگری جا گرفته بودند، در جنبش متحد سندیکایی تفرقه ایجاد کنند و مانع تشکیل یک سازمان سراسری گردند. ولی کارگران به خوبی این توطئه را فاش و خنثی ساختند و بسیاری از این عناصر مشکوک را طرد کردند. از جمله این افراد می‌توان از "یوسف افتخاری" نام برد که از رهبری "اتحادیه کارگران و بزرگان" برکنار شد.

پس از تشکیل موفقیت‌آمیز شورای متحده مرکزی، هنگامی که ارتجاع و امپریالیسم توطئه‌های تفرقه افکنانه خود را نقش بر آب دیدند پیش از پیش به سرکوب کارگران روی آوردند.

سرکوب کارگران ابتدا از مازندران شروع شد. ارتجاع به دست عمال خود که تحت نام حزب وطن عمل می‌کردند، در کارخانه نساجی شامی به خرابکاری پرداخت. در تبریز، سمنان، دامغان و دیگر شهرها نیز تحریکات شدت گرفت. در اصفهان سازمان‌ها و کلوب‌های کارگری مورد حمله واقع شد. عناصری مانند شمس صدری که اتحادیه دروغین "شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگران و دهقانان و پیشه‌وران ایران" را تشکیل داده بودند با هم‌دستی پلیس، دفاتر اتحادیه‌های کارگری و حزب توده ایران را مورد حمله قرار دادند. ارتجاع و امپریالیسم که از پیوند سازمان‌های صنفی و سیاسی طبقه کارگر آگاه بودند و از آن

هراس داشتند، حملات خود را علیه هردو یعنی شورای متحده مرکزی و حزب توده ایران سازمان دادند. ارتجاع داخلی به دستور و با کمک امپریالیسم در سال ۱۳۲۶ علیه شورای متحده مرکزی و سازمان‌های اصیل سندیکایی کارگران یورش بردند و به دنبال آن در سال ۱۳۲۷، پس از یک صحنه سازی مضحک، حزب توده ایران را غیرقانونی اعلام کردند.

شورای متحده مرکزی در دوران کوتاه فعالیت علنی خود، در جنبش ضدفاشیستی و دمکراتیک و ملی مردم ایران نقش بسیار با اهمیتی ایفا کرد. نقش شورای متحده مرکزی در مبارزات اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک و بالا بردن آگاهی طبقاتی کارگران، تحت رهبری حزب توده ایران به حدی بود که طبقه کارگر، به عنوان نیرومندترین قدرت در عرصه مبارزه ضدامپریالیستی و ضد رژیم استبدادی شکل گرفت. اگرچه در دوران جنبش ملی شدن نفت، شورای متحده به علت وجود شرایط اختناق و بیگرد شدید، قادر

نشد نقشی تمام عیار ایفا کند، و به عنوان یکی از نیروهای اصلی نبرد همواره حضور داشت. متأسفانه رهبران ملی وقت نیز نقش جنبه صنفی و سیاسی طبقه کارگر را، مجموعه جنبش ملی و پیشه‌آرمان‌های آن درک نکردند. بالمال موجبات شکست آن فراهم آوردند.

برگزاری جشن اول ماه مه برای طبقه کارگر ایران از دو جهت خاص اهمیت است. اولاً: کارگران ایران (۱۱ اردیبهشت، روز اول ماه مه) همراه با تمام کارگران جهان برای بزرگداشت و تحکیم پیوند همبستگی جهانی کارگران چشم می‌گیرند. ثانیاً: کارگران ایران این روز را که مصادف با سالگرد تأسیس سازمان صنفی سراسری آنانست، به عنوان بزرگداشت اتحاد پنج میلیون کارگر ایرانی گرامی می‌دارند.

بزرگداشت دست‌آورد های شورای متحده مرکزی، در واقع تأکیدی است بر لزوم و اهمیت ایجاد تشکل سراسری طبقه کارگر.

انقلاب پیروز افغانستان...

بقیه از صفحه ۱۱

افغانستان در مجموع به شرایط عادی بازگشت.

رهبران اتحاد شوروی و افغانستان بارها اعلام کرده‌اند، پایان دادن به جنگ اعلام نشده علیه افغانستان، محور حل "مسئله افغانستان" است و با تضمین عدم دخالت نیروهای مداخله‌گر خارجی در امور داخلی افغانستان مستقل، واحدهای محدود اتحاد شوروی از این کشور خارج می‌شوند.

امپریالیست‌ها و مرتجعین منطقه با مشاهده سیر بی‌بازگشت مرحله نوین انقلاب ثور، بیش از پیش به بسیج، سازماندهی و مسلح ساختن ضدانقلاب فراری و ایجاد پایگاه‌های تربیت خرابکاری پرداخته و می‌پردازند. از سوی دیگر سردمداران جمهوری اسلامی بعد از پیروزی انقلاب بهمین ۵۷، سیاست مقابله خصمانه با دولت افغانستان و انقلاب آن را در پیش گرفتند و روز به روز بر شدت این سیاست افزودند. با چرخش به راست حاکمیت جمهوری اسلامی و خیانت رهبران آن به اهداف انقلاب

بقیه در صفحه ۱۵

ارتجاعی هموار سازند. نیروهای انقلابی و وفادار به دست‌آورد های انقلاب ثور که عواقب خطرناک این وضع را برای سرنوشت انقلاب عمیقاً درک می‌کردند به رهبری ببرک کارمل، یکی از بنیان‌گذاران وفادار "حزب دمکراتیک خلق افغانستان" دار و دسته خیانت‌پیشه و جنایتکار-امین را برکنار کردند و ارکان‌های رهبری حزب و اداره کشور را به دست گرفتند. دولت قانونی افغانستان به موجب پیمان دوستی و همکاری دو جانبه خود با اتحاد شوروی، خواستار کمک فوری سیاسی، اقتصادی و نظامی این کشور برای سرکوب مداخله خارجی شد. دولت اتحاد شوروی براساس این قرارداد و طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل، به این درخواست پاسخ مثبت گفت و یگان‌های محدود خود را به افغانستان گسیل داشت. بدینسان برنامه‌های توطئه‌گرانه امپریالیسم آمریکا و دستیاران آن برای سرنگونی جمهوری دمکراتیک افغانستان عقیم ماند و اوضاع

ندامت نامه سرگشاده حاکمیت...

بقیه از صفحه ۴

امیدهای سران جمهوری اسلامی برای اینکه حتی پس از شکست احتمالی ریگان در انتخابات آینده چرخش در سیاست امپریالیسم در جهت کمک به جمهوری اسلامی عراق اتفاق افتد بی پایه و موهوم است. دامن زدن به این امیدواری‌های موهوم، تنها بیانگر تصمیم قاطع سران جمهوری اسلامی به کرش خاضعانه‌تر در برابر امپریالیسم آمریکاست.

بهای کج. برای کسب پشتیبانی کامل امپریالیسم می‌پردازد

ندامت نامه حاکمیت جمهوری اسلامی به پیشگاه امپریالیسم اگرچه حاوی نکته تازه‌ای نیست، اما اعلام آن در شرایط کنونی، بیانگر آمادگی تکان دهنده جمهوری اسلامی برای حراج هرچه

ارزان‌تر دست‌آوردهای انقلاب و منافع ملی میهن ما برای کسب حمایت امپریالیسم جهانی است. از هنگامی که در زمستان گذشته، با اعلام مواضع رسمی ایالات متحده مبنی بر دفاع از ثبات رژیم عراق روشن شد آمریکا - علی‌رغم بهای سنگینی که حاکمیت جمهوری اسلامی با چرخش به راست همه جانبه در کلیه عرصه‌های سیاست داخلی و خارجی برای جلب حمایت کامل امپریالیسم پرداخته است - حاضر نیست به خواست‌های توسعه طلبانه جمهوری اسلامی در منطقه تن در دهد، سران جمهوری اسلامی سیاست تشدید ست‌گیری ارتجاعی و تسلیم هرچه بیشتر در برابر مطامع امپریالیسم برای جلب رضایت آمریکا را در پیش گرفته‌اند. گسترش روابط اقتصادی وابستگی آمیز با جهان غرب، ادامه

ریتسوس...

بقیه از صفحه ۱۳

بخوانیم:

به حیرتم که ماه مه از میان این همه شهید چگونه راه خود را خواهد گشود؟ از میان این انبوه قربانی چه سان خواهد گذشت اول ماه مه؟

خواهد توانست آیا کشته‌ها را از سر راه بردارد و به در خانه ما برسد؟ نه! ما تنها برای مردن به دنیا نیامده‌ایم

آفتاب این را می‌داند و توم می‌دانی، رفیق من! آنگاه که ما روز را با سر بلندی به پایان می‌بریم خورشید پیش از رونقفتن، دمی به ما می‌نگرد و با لبخندی پر لب می‌گوید: من بازمی‌گردم - آری خود او می‌گوید -

بی شک بازمی‌گردم. همان گونه که آن نجار، پیش از ترک خانه در یک دست مداد و در دستی دیگر اره به فرزندان خویش می‌نگرد با اطمینان از بازگشت سرفراز خود با یک بفل پر از نان و سر بلندی ما زمانی است که وظیفه خود را انجام داده باشیم.

انقلاب پیروز افغانستان...

بقیه از صفحه ۱۲

شکومند بهمن ۵۷، در رابطه با انقلاب افغانستان، نزدیکی و هم‌سویی سیاست جمهوری اسلامی با محافل امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا کامل‌تر شد. رهبری جمهوری اسلامی هم‌راه و هم‌گام با ضیاء الحق جنایتکار در دسیسه‌های امپریالیستی - ارتجاعی نقش ویژه و مهمی بازی می‌کند و به یکی از آتش بیاران تمام عیار معرکه تبدیل شده است.

اما به رغم تشبثات امپریالیسم و ارتجاع، افغانستان ضد امپریالیست و دمکراتیک امروز به چشم اندازی‌های سازندگی جامعه و بهروزی مردم با اطمینان کامل می‌نگرد.

ما ششمین سالگرد انقلاب فرخنده افغانستان را به خلق برادر کشور همسایه و حزب رهبری کننده آن صمیمانه شادباش می‌گوییم.

اکنون بر آنست عید او را به عزا بدل کند. نه! او به هرکاری قادر است، جز نطفی خود را با توان همان دستهایی که شاه را سرنگون کرد، حزبش را حفاظت خواهد کرد و سرانجام آرمان‌های مردمی آن را بر مسند ثبوت خواهد نشاند. او با احترام و نوبد، برابر صف قهرمانانی که به خاطر بهروزی طبقه‌اش، هستی خود را نثار کردند می‌ایستد، به نام بزرگ و غرور آفرین یارانی که زیر شکنجه‌های بربرمنشانه رژیم به شهادت رسیدند و در بندانی که عید او را در سلول‌های تنگ به جشن خود بدل می‌کنند آغاز می‌کند و با خشوع برجای خونین زخم‌های پیکر حزبش بوسه می‌زند: بوسه‌ای شفا بخش و تسلی‌ده. بوسه‌ای که فردا بر گونه میلیون‌ها کودک آزاد و آرزومند ایرانی تکرار خواهد شد. بی‌تردید!

اول ماه مه، روز جشن کارگران سراسر جهان خجسته باد!

برسکوی پرافتخار اول ماه مه

بقیه از صفحه ۱۱

سال از آن هنگام که این امید در قلبش نور پاشید، گذشته است. اینک و یک بار دیگر برسکوی پرافتخار ماه مه ایستاده است. رهبرانی که برای به قدرت رساندنشان، با آنان دست بیعت داده بود، دست راهنمای او را قطع کرده‌اند؛ دست یگانه پشتیبان و حامی راستینش که سراسر این سال‌های دشوار و حماسه آفرین را در کنار و پیشاپیش او بوده است. قلبش را از او دزدیده‌اند و سهم زندگی‌ای که با چنگ و دندان به دست آورده بود و میهنی که برای پایداری جاویدش، تبارش را قربانی کرده بود... آنان او، مصالح و مقدساتش را به امپریالیسم فروخته‌اند! به بهایی پیش از ارزان و با شقاوتی بسیار گران، مگردشمن، دیگر چه معنایی دارد؟! اولین سالی است که از دو مین هجوم مغول‌وار

کرمکان حکومتی به حامی استوار و پی‌گیرش! حزب توده ایران می‌گذرد. از مغان زهرآلود رژیم در شب عید جهانی او "شوهای تلویزیونی" بود. آنها با این‌کار، جنگ اعلام نشده‌ای را علیه او آغاز کردند. برای او این نمایشات شوم و سیا آموخته، معنایی فراتر از چند "برنامه تلویزیونی" دارد. ستیز آشکار با او، نفی تاریخی که با خون و زندگی خود و همراهانش نوشته شده، لجن پاشی به خیزش حماسی تبار کارگری‌اش که همه توش و توان خود را در راه پیروزی آن باخته، انکار همه دست‌آوردهایی که نه چون "صدقه"، بلکه با رزم خودش، با قدرت پازو و اراده خودش به دست آورده است؛ این سیمای کارگر ستیز حکومتی است که سال‌ها، از سرضدق به خلوص ادعایش امید بسته بودو



زاین؛ مانع عادی شدن مناسبات میان اتحاد شوروی و چین

روزنامه "آکاهاتا"، ارگان مرکزی حزب کمونیست ژاپن، به دنبال سفر نخست وزیر ژاپن به چین تفسیری منتشر کرده، در این تفسیر آمده است:

در محافل وزارت امور خارجه ژاپن اعلام می کنند: اینک یکی از اهداف سیاست خارجی این کشور در ارتباط با جمهوری خلق چین آنست که از عادی شدن مناسبات میان اتحاد شوروی و چین جلوگیری کند. این سیاست جنبه دیگری از تحکیم اتحاد و همکاری نظامی میان ژاپن و ایالات متحده آمریکا است. دستگاه اداری ریگان، خود نیز در صدد است با چین مناسبات استراتژیکی برقرار سازد و به منظور فراهم آوردن زمینه مساعد، قول داده است تکنولوژی پیشرفته نظامی به آن کشور صادر کند.

به عقیده "آکاهاتا"، سفر نخست وزیر ژاپن، در آستانه سفر ریگان به چین، با این هدف صورت گرفت که همکاری سه جانبه میان ژاپن، آمریکا و چین را تشدید کند. کاملاً روشن است قصد اصلی از این تلاش، تحقق این هدف استراتژیکی است که چین را به همکاری با اتحادیه های نظامی غربی، زیر رهبری دستگاه اداری ریگان بکشاند. همین هدف انگیزه قول نخست وزیر ژاپن به پرداخت وام های هنگفت به چین بوده است.

توکيو برآست نقش زمینه ساز سفر ریگان به چین را ایفا کند. چین از جانب خود امیدوار است برای تحقق طرح های اقتصادی خود از ژاپن کمک های بیشتری دریافت دارد.

روزنامه "ژن مین ژیبائو"، ارگان حزب کمونیست چین، آشکارا چاپ مطالب انتقادی در باره اوضاع اقتصادی - اجتماعی ژاپن را کاهش داده است و همین سیاست را در مورد "قرارداد امنیتی ژاپن - آمریکا" در پیش گرفته و "اکنون برخلاف گذشته علا آن را به رسمیت می شناسد."

سیاست ضدافغانی چین

ارگان های تبلیغاتی چین، کارزار تبلیغاتی خود را علیه افغانستان دمکراتیک با پخش اخبار دروغین همچنان ادامه می دهند.

یکی از جنبه های اصلی این تبلیغات، کوشش برای سیاه نشان دادن ماهیت مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی و روان کردن سیل افتراءات در مورد کمک انترناسیونالیستی اتحاد شوروی، مبنی بر اعزام یگان های محدود ارتش

پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به رفیق چرنکو

رفیق ارجمند کنستانتین اوستینویچ چرنکو صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب شایسته شما را به مقام عالی ریاست هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی صمیمانه تبریک می گوید و مطمئن است نقش برجسته و مدبرانه شما در اجرای تصمیمات و برنامه های بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی به خاطر تأمین صلح جهانی، نجات بشریت از خطر جنگ ناپود کننده هسته ای که ارتجاعی ترین محافل امپریالیستی جهان به سرکردگی امپریالیسم آمریکا دامن می زنند، به خاطر رفع تشنجات در عرصه مناسبات بین المللی، تأمین دوستی و حسن تفاهم و همکاری سالم و سازنده بین خلق ها و کشورهای جهان و نیز به خاطر پشتیبانی اتحاد شوروی از جنبش خلق ها در راه استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی، موفقیت های بازم درخشان تری را برای سیاست پیگیر صلح دوستی حزب پرافتخار لنین و کشور و ملل اتحاد شوروی به ارمغان خواهد آورد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران اطمینان دارد در سایه این سیاست روشن و بی ابهام، مناسبات دوستانه تاریخی فی مابین ملت ایران و ملل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی همچنان به نفع ملت های ما و به نفع صلح جهانی گسترش و عمق بیشتری خواهد یافت.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

خود به جمهوری دمکراتیک افغانستان است. به عنوان مثال نشریه "چاینا دیلی" متعلق به خبرگزاری رسمی چین چندی پیش بر سر ناپود کردن دهکده پاراسلان تبلیغات خصمانه گسترده ای به راه انداخت. این دروغ، به طور کامل رسوا شد.

با این حال دستگاه های دروغ پراکنی چین همچنان کار می کنند! چه روز پیش، خبرگزاری "سین خوا"، از قول "کرده های باند های ضد انقلابی شایع کرد گویا "صدها تن از اهالی غیرنظامی افغانستان قربانی گازهایی شده اند که در بمباران ایالت قندهار، توسط ارتش شوروی به کار برده شده است."

اما واقعیت چیست؟ همان طور که چندی پیش اعلام شد، هنگام سرکوب یکی از باندهای صادر شده به افغانستان، نامه ای حاوی دستوراتی از جانب سی. آی. ا. به مزدوران افغانی به دست آمد که چگونه صحنه استعمال مواد سمی (از طرف اتحاد شوروی) را بپردازند. سناریو از این قرار بود که ایالات متحده، خود مواد سمی شیمیایی را به افغانستان می فرستد و بعد با وقاحت اتحاد شوروی را متهم به استفاده از آنها می کند.

شایعات بی اساس مربوط به استعمال جنگ افزار شیمیایی توسط اتحاد شوروی در افغانستان تا به حال بارها توسط محافل صلاحیت دار بین المللی و از جمله کارشناسان سازمان ملل متحد تکذیب شده است. اما خبرگزاری چین پیوسته ادعای قدیمی خود را تکرار می کند.

**کمک مالی به
حزب توده ایران،
یک وظیفه انقلابی است!**

**رفقای هوادار حزب توده ایران در
فرانسه (سنت اتین)
هزینه چاپ این شماره "راه توده" را
تأمین کردند**

رفیق س. ۰ مارک ۱۰۰

RAHE TUDEH
No. 89
Monday, 30 April 84
Address: **Winfried Schwarz**
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	DM Italy	600	L.
France	3	Fr. U.S.A.	50 Cts.
Austria	8	Sch. Sweden	3 Skr.

